وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین (القرآن الحکیم)
کتاب
نقش سلیمانی
در علوم عشریہ خاصہ
احضار ارواح - سحر - طلسمات
تیغ ہندی ز آثار شیخ بہائی رہ
بضمیمہ تعویذات نقشبندی
مکتبہ عشریہ کانسی روڈ کوئٹہ

نقش سلیمانی

در علوم غریبه خاصه

احضار ارواح تسخیر طلسمات

تیغ بندی از آثار شیخ بهائی ره

ضمیمه تعویذات نقشبندی

نقش سلیمانی

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام آنکه نامیش حرز جانهاست — ثنایش جوهر تیغ زبانهاست

و درود نامعدود بر بزرگان سرور کائنات و مفخر موجودات سید عالم
و باعث ایجاد بنی آدم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اما بعد
این کتاب در اصل بزبان اردو بوده و بعدا بزبان فارسی ترجمه شده
و مشتمل بر شش باب

باب اول مشتمل بر سه فصل

فصل اول در بیان قواعد عامه

بر دانشمندان کامل عیار و عاملان
ذوی الاقتدار پوشیده مباد که برای دعا و دوا ترکیبی و اصولی معین است
اگر با ترکیب و اصول دعا یا دوا کرده شود زود اثر پذیر میشود و اگر بی اصول
عمل کرده شود هر دو ناتمام میمانند و ازین باعث بجای فایده ضرر بظهور میاید
خصوصا در عمل خواندن بی اصولی اختیار میکنند و در تعویذ نوشتن خانهای ناهموار پر
کنند و اگر تاثیری حسب دلخواه نمیشود عمل و تعویذ را بدنام میسازند پس لازمست که
وقتیکه قصد عمل کردن و تعویذ نویسی نمایند اول قاعده عمل خواندن و تعویذ نوشتن
آموزد چنانچه کسی علاج مریضان کردن خواهد او را باید که اول کتب حکمت از حکیم
حاذق خواند و ترکیب شناختن مرض و قاروره و بموجب مرض نسخه نوشتن و اوزان ادویه
بمناسبت مرض در نسخه درج کردن آموخته امتحان از مطب آغاز کند و بعد تجربه از حکیم
حاذق میگردد همچنین علم و عمل معه اصولهای آن باید آموخت لهذا چند قواعد که عاملان
فن عمل معین نموده اند و از پیران طریقت بعد یافت رسیده بطور مختصر درج کرده میشوم

اگر عامل این قاعده‌ها را ملحوظ خاطر دارد انشاء الله تعالیٰ بجز فایده نقصان نخواهد داشت
قاعدهٔ اول این امر را در قبولیت دعا و اعمال اثر عظیم است که اکل حلال و صدق مقال و محبت
در هر وقت خود عمل از رجوع قلب خواندن حتی که تا اختتام عمل دل خود حاضر دارد و گرنه هیچ فایده
نخواهد داشت بقول حضرت مولوی معنوی ؎ بر زبان تسبیح و در دل گاو خر · این چنین تسبیح کی دارد اثر
قاعدهٔ دوم هر عملی و وظیفه که تا ایام معدود بخوانند اندر آن مدت ترک حیوانات وغیره ضرور است
یعنی خوردن آنچیزها ترک کند مثلاً گوشت گاو و ماهی و بیضه هر قسم جانور که باشد و بهتر است که
بود از چیزی از قسم مصالحه‌جات هم نخورد از ترک اشیائه کوره امید قویست که در عمل و دعا او اثر
کامل بظهور خواهد آمد قاعدهٔ سیوم در بیان جو اجرشنه آورده اند که در خواندن عملیات و نقش
وغیره بر کردن تقرر وقت ضروریست مثلاً شخصی عملی از قسم جلالی یا جمالی اول بهر روزی
که خواندن آغاز کند خیال دارد که ختم آن نقل همان روز و وقت کند که آغاز کرده بود و
اختلاف زمان موجب ضرر و نقصانست قاعدهٔ چهارم تعین مکان هم
از پس ضروریست اختلاف مکان بلا عذر مناسب نیست هر یک جائی و مصلی
آغاز و ختم کند قاعدهٔ پنجم آغاز کردن عمل در عروج ماه بهتر است از آنکه
در زوال ماه آغاز کند قاعدهٔ ششم وقتیکه عمل خواندن آغاز نماید الحمد و
آیة الکرسی و چهار قل را سه بار خوانده و بر انگشتان هر دو دستهای خود دم کند
و گرد خود حصار بندد و بنشیند قاعدهٔ هفتم بر اسم و دعا خواندن اگر حرف
سر اسم و دعا و حروف سر نام خواننده آتشی باشد او زود تر آید از حروف آتشی
و آبی عداوتست و در حروف خاکی و آبی لحاظ عداوت کرده بخواند باید که اگر کسی اسم
یا عمل شروع کند حرف سر اسم دور کرده بخواند تا که بزودی اثر کند باد با دشمنی
باد و آب میانه آب و خاک سزاوار آب و آتش مخالف - اربع عناصر خاک رنگ زرد
حضرت جبرئیل باد رنگ سبز حضرت اسرافیل آب رنگ نیلی حضرت میکائیل آتش
رنگ سپید و زرد حضرت عزرائیل قاعدهٔ هشتم وقتیکه زکوة عمل دهد و از
زکوة فارغ شود باید که هر روز هفت بار یا دوازده بار یا زیاده تر از این آنرا بخواند

قاعدهٔ پنجم در اعمال اجازت صاحب عمل ضرور است و اگر بی اجازت عامل عمل
خواهد کرد نقصان خواهد داشت و مصنف این رساله در عملهای مرقومه خود اذن عام
داده هر که بخواهد عمل کند انشاء الله تعالی هیچ نقصانی و فتوری نخواهد داشت تا که فایده عام
و خاص را حاصل شود قاعدهٔ ششم در بیان برجهای عاملان را دریافت کردن کیفیت
برجها و ستارگان و ساعتهای آنها هم ضروریست چرا که بغیر دریافتن هیچ عمل نتواند کرد
بعد مختصر حال آنها نذر ناظرین کرده میشود **فصل دوم در بیان برجها**
در تفسیر فتح العزیز و مقصود العاشقین وغیره نوشته است که حقیقت برجها این است که بسبب
گردش آفتاب در آسمان دائره پیدا میشود آنرا دائرة البروج مینامند و آفتاب دائره در مدت یکسال
طی میکند و آنرا در دوازده حصص مساوی تقسیم کرده اند و هر حصه را اسم بروج داده اند و هر برج را
مطابق آن صورت که بسبب اجتماع سیارگان پیدا شده است مصور ساخته اند و اهل هنود برج را
راس مینامند و آن دوازده بروج اینند (۱) حمل هندی میکه نما میساگه را گویند بصورت بز
میش نر است در سر هم دو شاخ دارد و سر او بجانب مغرب و دم او بجانب مشرق و پشت او
جانب شمال پای او بسمت جنوب و رویش بر عقب گشته گویا که کسی چیزی را می بیند خانه مریخ
شرقی آتشی سرخ و بال زهره شرف آفتاب ۱۹ درجه هبوط زحل مذکر منقلب موکل سرطائیل
حروف ا ع ل ی (۲) ثور هندی برکه نما جیته را میگویند بصورت گاو است
سر او بجانب مشرق و دم جانب مغرب خانه زهره جنوبی خاکی سفید و بال مریخ شرف قمر
۳ درجه مؤنث ثابت موکل حرزائیل حرف ب (۳) جوزا هندی متهن نما اشاد میگویند
بشکل دو طفل برهنه باهم آمیخته سرش بجانب شمال و مشرق و پاهای او جانب جنوب و مغرب خانه
عطارد غربی بادی زرد و بال مشتری شرف راس هبوط ذنب مذکر و جسدین موکل اهواسرائیل حروف
ف ق ن (۴) سرطان هندی کرک نما ساون را میگویند بصورت جانور دریائی هندی آن کیکره
او گنگتا است خانه قمر شمالی آبی سفید و بال زحل شرف مشتری هبوط مریخ مونث منقلب موکل
قیفائیل حروف و ح (۵) اسد هندی سنکه نما بهادون را میگویند بشکل جانور صحرائی
که در فارسی آنرا شیر میگویند خانه شمس شرقی آتشی سرخ و بال زحل مذکر ثابت موکل حرکائیل حروف ت د

(۶) سنبله هندی کنیان ماه کنوار یعنی آسن را میگویند بصورت دختریست دامن فروهشته
وسر او جانب مغرب و شمال و پای او بجانب مشرق و جنوب دست چپ فروهشته و دو دست را
بر دوش برداشته و در همان دست خوشه نخلی گرفته است خانه عطارد جنوبی خاکی سبز زرد و بعضی سیاه
وبال مشتری شرف عطارد هبوط زهره مؤنث ذوجسدین موکل سماکائیل حروف ا ب ت (۷)
میزان هندی تلا ماه کاتک را میگویند بصورت میزانست (ترازو) خانه غربی بادی سپید وبال مریخ
شرف زحل هبوط آفتاب مذکر منقلب موکل فهم الخائیل حروف ت ط (۸) عقرب هندی
برچهک ماه اگهن را میگویند بصورت عقرب هندی بچهو - خانه مریخ شمالی آبی سرخ وبال زهره
هبوط قمر مؤنث ثابت موکل صندصائیل حروف ل ن ظ ض ذ (۹) قوس هندی
دهن ماه پوس را میگویند بصورت تیر و کمان در دست گرفته خانه مشتری شرقی آتشی زرد
وبال عطارد شرف ذنب هبوط راس مذکر ذوجسدین موکل صلحائیل حرف ف (۱۰)
هندی مکر ماه اگهن را میگویند بصورت بز است خانه زحل جنوبی خاکی سیاه وبال قمر
شرف مریخ هبوط مشتری مؤنث منقلب موکل حماکائیل حروف خ ح (۱۱) دلو
هندی کنبه ماه پهاگن را میگویند بشکل مردی است که ابریق رفیق در دست گرفته ابریق را
کج کرده آب بر زمین میریزد خانه زحل غربی بادی زرد وبال آفتاب مذکر ثابت موکل
سخازائیل حروف س ش ص ث غ (۱۲) حوت هندی ماه چیت را میگویند
بصورت دو ماهیان باهم آمیخته خانه مشتری شمالی آبی سرخ وبال هبوط عطارد شرف زهره
مؤنث ذوجسدین موکل قفهائیل حروف ج د ا. بروج ماههای هندی و برجها یکجا
برای دریافت و آسانی شایقان نوشته میشود که دریافتن هر دو آسان باشد حمل
ماه بیاکه ۲ ثور جیته اساره در هندی ۳ جوزا میگویند ۴ سرطان ماه ساون ۵ اسد ماه
بهادون ۶ سنبله را آسن ۷ میزان را کاتک ۸ عقرب را اگهن ۹ قوس را پوس ۱۰ جدی را
ماگه ۱۱ دلو را پهاگن ۱۲ حوت را چیت میگویند شاعری طبع برجها را نظم کرده است

حمل آتشی و شیر کمان — ثور خاکی جدی و خوشه همان
طبع جوزا و دلو باد هوا — وان سرطان حوت و عقرب آبی ماه

ابو نصر فراهی خانهای ستارگان را نظم کرده است

حمل و عقرب است با بهرام — قوس و حوت مشتری را نام
ثور و میزان چو خانهٔ زهره است — مر زحل راست جدی و دلو مقام
تیر و جوزا و خوشه مه سرطان — خانهٔ آفتاب شیر مدام

بدانکه خداوند تعالی هر برج و ستاره را نیکی و بدی و سعادت و نحوست جداگانه عطا فرموده و حکم اینها در این عالم جاری میشود - لهذا از دعاملان دوازده گانه سه قسمند ثابت و منقلب و ذوجسدین وقتی که آفتاب در برج ثابت آید عمل محبت و گشایش رزق وغیره مفید میافتد و در منقلب هلاکی دشمن وغیره و ذوجسدین برای هر دو امر عمل کردن سزاوار است و همین احوال دوازده ماه است و تعیین آن از ماههای شمسی میشود مؤلف رساله یک دائره برای آسانی فهم درج نموده که انشاء الله از ملاحظه دائره کیفیت دوازده برج منکشف خواهد شد چراکه برج وغیره همه یکجا

دائره

البروج
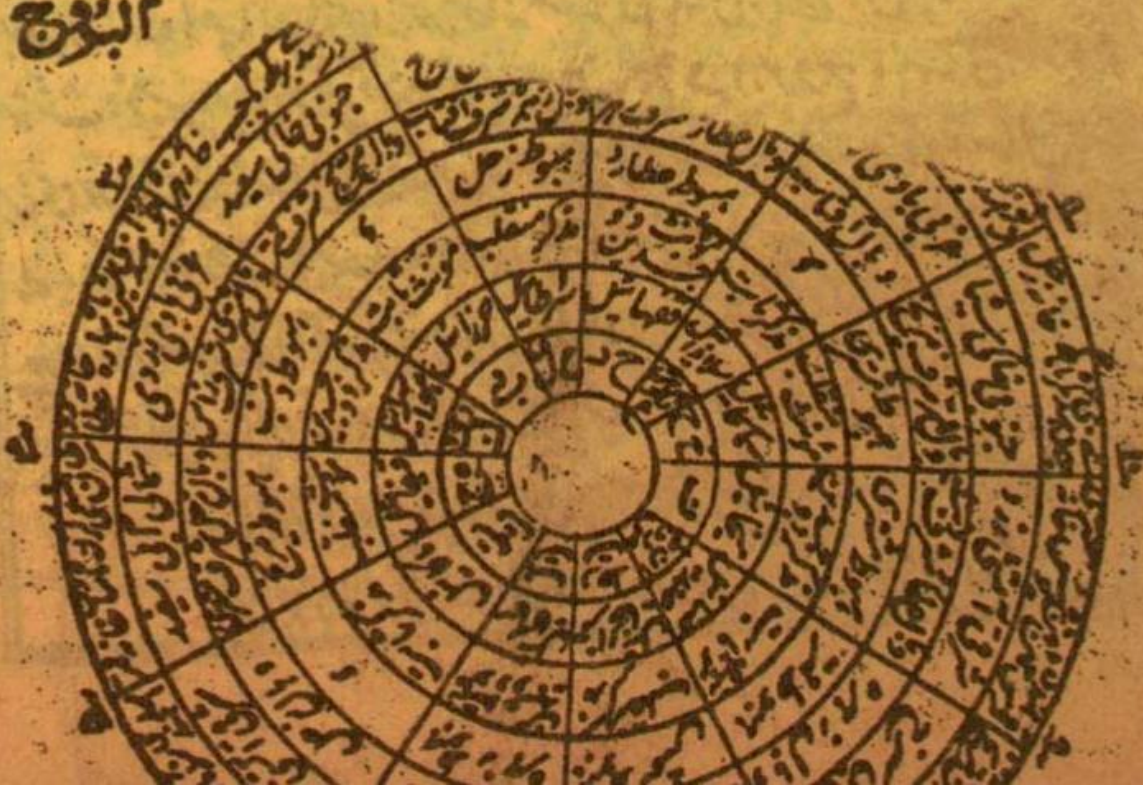
فصل سیم در بیان طالع

بدانکه در این فن استخراج کردن طالع برای حب وغیره ضرورست حالات آن مفصل
در کتب های جلیله قدیمه مسطور است و در این رساله مختصر گنجایش طول و طویل حالات
نیست لهذا یک قاعدهٔ مختصر عام فهم نگاشته میشود اگر دریافتن طالع شخصی منظور
باشد اعداد اسم او و مادر او برآورده یکجا جمع کند بعد آنرا بر دوازده طرح میدهد
هرچه باقی ماند بر برجها تقسیم نماید هر عددی که بعد تقسیم باقی ماند همان طالع
آن شخص است مثلاً اگر یک عدد باقی ماند طالع برج حمل است اگر دو باقی
ماند برج ثور است اگر سه باقی ماند برج جوزا است. اگر چهار باقی ماند برج
سرطان است اگر پنج باقی ماند برج اسد است. و اگر ...
سنبله است. و اگر ...
... س باقیماند برج
... ست و باقیماند برج میزان است. و اگر هشت باقی ماند
برج عقرب است. و اگر نه باقی ماند برج قوس است. و اگر ده باقیماند برج
جدی است. و اگر یازده باقیماند برج دلو است. و اگر دوازده باقی ماند برج
حوت است مثالش اینست اگر نام سائل مراد است عدد این دویست و چهل و پنج اند
و نام مادر سائل الهی عدد این چهل و شش است جمله میشود دویست و نود و یک پس بعد تقسیم
سه عدد باقی ماند معلوم شد که طالع آن شخص برج جوزا است

باب ششم در وی از آن شش فصل است فصل اول در بیان

ستارگان در عجایب المخلوقات و مقصود العاشقین مرقومست که آنحه تعالی
جل شانه ستارگان بی شمار خلق فرموده که شمارهای آنها را بجز خداوند تعالی کسی نمیداند
آنجمله ثابتند که آنها را بذات خود جنبش نیست و در فلک چنان آمیخته اند که
گویا نگین در انگشتری ثبت است مگر نگین در انگشتری بجانب بالا می شود
زیرا آن نقره یا طلا وغیره میشود و ستارگان هر دو جانب زیر و بالا نمایان
هستند و بهمین جهت آنها را ثوابت میگویند مگر قدرت خداوندی

بذات خود هم متحرک اند و بهمین جهت اهل عرب آنهارا سبع سیاره میگویند و از
حرکات آنها تاثیرات انواع و اقسام در عالم ایجاد و هویدا میشوند و در اکثر چیزها موثر
میگردند و هر یک سیاره بر وقت خود حاکم وقت میگردد و در سعد و نحس هر یک مختلف
حکمی دارد و هر یکرا بر یک آسمانی مقامست و آن آسمان از آن سیاره موسومست
و آن سیارگان باین ترتیب اند (۱) قمر بفارسی ماه بهندی چاند و چندرمان و سوم بصورت
مرد دراز قد و هر دو دست بر گوشهای خود نهاده و یک هاله گرد چهره رنگ سبز نزد بعضی آبی
فلک اول عامل روز دوشنبه هست موکل بعوائیل اقلیم هفتم (۲) عطارد بفارسی تیر
هندی بدهه بصورت پیر مرد دراز ریش در دست قلم بر زانو کاغذ نهاده گویا که چیزی مینویسد
رنگ فیروزی فلک دوم عامل روز چهارشنبه موکل اسمائیل اقلیم دوم (۳) زهره بفارسی
ناهید هندی سکر بصورت زنی هست در دست چیزی از نواختن گرفته رنگ سپید فلک سوم
عامل روز جمعه موکل میمون اقلیم سوم (۴) شمس فارسی خورشید هندی سورج اوست
بشکل میانه قد مرد هاله بگرد چهره راست و چپ صورت شیر و هر دو دست بر آنها رنگ طلائی
فلک چهارم عامل روز یکشنبه موکل کلکائیل اقلیم چهارم (۵) مریخ فارسی بهرام هندی
منگل بصورت مرد لشکری در یک دست شمشیر و در دست دیگر سر بریده گرفته رنگ سرخ
فلک پنجم عامل روز سه شنبه موکل بحرائیل اقلیم پنجم (۶) مشتری فارسی برجیس هندی
برهسپت بشکل مرد مسن کتاب در دست گرفته رنگ زرد نزد بعضی صندلی فلک ششم عامل
روز پنجشنبه موکل مهمائیل اقلیم ششم (۷) زحل فارسی کیوان هندی سنیچر بصورت مرد کو
دراز رو و از هر دو دست عصا عقب گردن گرفته و در دو دست شاخ نخل میوه دار گرفته
و در دو دست دم موش گرفته رنگ سیاه فلک هفتم عامل روز شنبه موکل از قائیل
اقلیم هفتم باسم سبع سیاره شاعری گفته اسمای عربی (قمر است و عطارد و زهره
شمس و مریخ و مشتری و زحل) و در فارسی اسمهای آنها اینست کواکب مه و تیر و ناهید
دان چو خورشید و بهرام و برجیس و کیوان اقالیم هفت سیارگان ازین نظم تا یافت باید نمود
هند را حاکم زحل شد ملک چین را مشتری ملک ترکستان را مریخ کرده سروری

شمس آمد در خراسان بهر روم عطارد در روز قمر بغداد را شد برتری

مؤلف رساله یک دایره رقم نموده است نام دایرة النجوم نهاده از مشاهدهٔ آن حال نجوم بخوبی دریافت میشود و این است
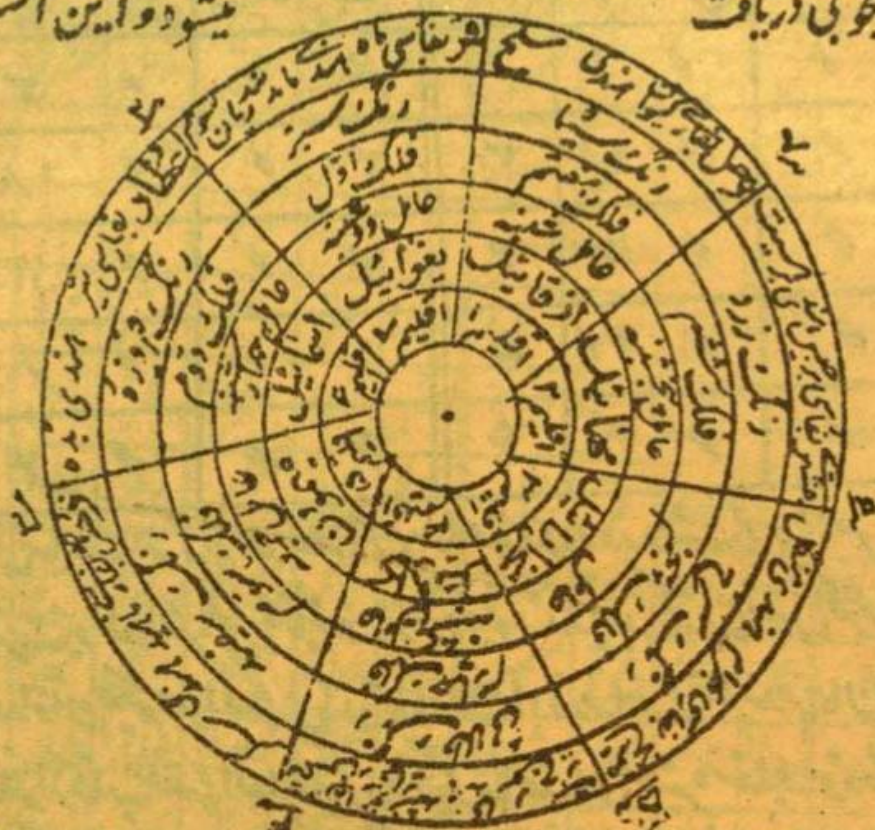
هر چند در اشکال و رنگ سیارگان و موکلان اختلاف بسیار است لیکن نزد اکثر منجمان و کتب معتبره آنچه معتبر دریافت گردیده در این رساله مختصر اند کی بالاجمال تحریر کرده شد و تسدیس و تربیع و تثلیث و نظرات و غیره بخیال طول کلام گذاشته شد

فصل اول در

بیان ساعتهای شب و روز باید دانست که خداوند تعالی جل شانه در هر مخلوقات خود تاثیری عطا فرموده است و تاثیرات آنها مدام بظهور میآیند چنانچه هر ستاره که حاکم وقت میگردد تاثیر خود را ظاهر میگرداند معهذا عاملان فن خواص تاثیرات حاکم وقت ملحوظ داشته عمل خواندن و نگاشتن تعویذ آغاز مینمایند و از زمان قدیم تا ایندم همگی باین قاعده اتفاق کلی است لهذا یک نقشه برای دریافت ساعت که بموجب ساعتهای روز است و دیگری که بطریق جدول است در ذیل هذا نوشته میشود وقتیکه آفتاب طلوع سازد یک چوبی دوازده انگشت باشد در زمین هموار روبروی آفتاب فرو نماید در زمین بعد از آن سایهٔ آن چوب را

دیده و نقشه را ملاحظه نموده ساعتها معلوم میشود و نقشه اینست

نقشهٔ دریافت ساعت بطور دهوپ گهری

حصه اول صبح			حصه دوم بعد میانه روز		
۱	۴۰ اولگل	ساعت ۱	۱	۶ اولگل	ساعت ۷
۲	۳۰ 〃	〃 ۲	۲	۱۰ 〃	〃 ۸
۳	۱۸ 〃	〃 ۳	۳	۱۸ 〃	〃 ۹
۴	۱۲ 〃	〃 ۴	۴	۳۰ 〃	〃 ۱۰
۵	۸ 〃	〃 ۵	۵	۳۶ 〃	〃 ۱۱
۶	۴ 〃	〃 ۶	۶	۴۰ 〃	〃 ۱۲

این جدول ساعتنامه که از ملاحظهٔ آن ساعتهای روز و شب بوجه احسن معلوم
میشود حضرت ابو المعاشر بلخی رح تالیف فرموده بودند و بسبب کثرت نقول اکثر جا تفاوت
شده بود بعد از آن حکیم ابو العشری آن تفاوت را دور ساخت تا ایندم همان مروجست
مؤلف رساله از کتاب مقصود العاشقین و دیگر بیاضهای معتبره مقابله نموده تصحیح آن
کرده مخفی مباد که ساعت هر ستاره یک گهنته میشود و قول اصح اینست از این حساب
شمار ساعتها باید کرد والله اعلم بالصواب باید دانست که در اینجا محل نگاشتن جدول
ساعتنامه بود و جدول دراز است گنجایش جا نیست که تمام جدول در اینجا نوشته شود لهذا
آنرا در صفحهٔ بعد درج نموده شد در اینجا بعضی از نسخجات در رساله نوشته میشد
نسخه حبوب سرفه آرد عناب ۲ ماشه آرد باقلا ۲ ماشه آرد پستان ۲ ماشه آرد تخم خطمی ۲ ماشه
رب السوس ۲ ماشه فکر مبغال ۱ ماشه سندروس ۱ ماشه صمغ عربی ۱ ماشه همه ادویه را باریک سائیده در
لعاب تخم خطمی حبوب بقدر نخود سازند و اکثر وقت در دهان بدارند نسخهٔ بواسیر
رسوت گشنیز سفوف کرده بخورند بارسوت ۲ ادر آمیخته بخورند انشاء الله تعالی شفا میباید
نسخه صرع جانوریکه آنرا در هندی گمهری میگویند گوشت آنرا بریان کرده بخورند

جدول ساعتنامه

شب و روز	پاس اول			پاس دوم			پاس سوم			پاس چهارم		
	ساعت ۱	ساعت ۲	ساعت ۳	ساعت ۴	ساعت ۵	ساعت ۶	ساعت ۷	ساعت ۸	ساعت ۹	ساعت ۱۰	ساعت ۱۱	ساعت ۱۲
شب شنبه	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
روز شنبه	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره
شب یکشنبه	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ
روز یکشنبه	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل
شب دوشنبه	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد
روز دوشنبه	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس
شب سه‌شنبه	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری
روز سه‌شنبه	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
شب چهارشنبه	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره
روز چهارشنبه	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ
شب پنجشنبه	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل
روز پنجشنبه	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد
شب جمعه	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس
روز جمعه	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری

فصل سوم در بیان سعد و نحس ستارگان و ساعتهای آنها

که نوشتن در آن ساعت یا تعویذات و خواندن عمل مفید است بدانکه مشتری سعد اکبر است در ساعت آن تعویذ حب و حاضری غایب و رفع عارضه باید نوشت زهره سعد اصغر است در ساعت آن تعویذ الفت و زبان بندی و خواب بندی باید نوشت و عطارد مشترک است در ساعت آن تعویذ محبت و شفای امراض باید نوشت شمس سعد است در ساعت آن تعویذ حب و شفای امراض نوشتن مناسب است

قمر را هم سعد میگویند در ساعت آن تعویذ حب و اخلاص و شفای امراض نویسند زحل نحس اکبر است در ساعت آن تعویذ هلاکی اعدا باید نوشت لیکن طالب را لازم است که وقت سحر کار کند زیرا در وقت نحس هیچ کار نکند که بانجام نخواهد رسید در ساعت سعد هر کار که کند انجامش بهتر و مفید تر خواهد شد انتهی تم

فصل چهارم در بیان بخورات

در جواهر خمسه و مقصود العاشقین نوشته است که عامل بوقت عمل خواندن و تعویذ نگاشتن خیال بخورات ضرور پیش نظر دارد که بموجب مقرره هر ستاره بسوزاند بخورات اینند مشتری عود، مشک، کافور، جوزمانه، صندل سرخ و شکر زهره عود، عنبر، مشک، صندل سفید، کافور و اسپند عطارد عود، کافور، صندل سرخ و قرنفل بخورات شمس عود، مشک، دارچینی بخورات قمر عود، کافور و شهد وغیره زحل عود، لوبان و مال بخورات مریخ عود، لوبان و بوقت نوشتن تعویذ و سوختن فتیله پیل گرد بسوزانند و این بخورات بحکم ستارهٔ عاشق و بحکم ستاره معشوق استعمال سازد اگر ستاره معشوق و عاشق یکی است همان یک بخور بسوزاند بخورات تعویذات بعض رائی و رالست و برای فتیله جن و شیاطین وغیره گوگل و پیل گرد وغیره است بخور دودی که چیزی بر آتش افکندن پیدا شود و آن را میگویند ۔

فصل پنجم در بیان فالنامه ستارگان

بسبب مناسبت مقام این فالنامه نوشته شد اگر شخصی را از حال خود هیچ دریافتن منظور باشد اول یک انگشت چشم را بسته بر یک خانه دائره نهد بعدها حال خود از عبارت مرقومه ذیل معاینه کند باید دانست که این فالنامه بسیار عمده و مجرب و آزموده است فال صحیح بر میآید اگر انگشت تو بر زحل افتد معلوم کن که شخصی بر عداوت تو کمر بسته است خواه او را تو میدانی یا نمیدانی و طبع تو اکثر غمگین و ملول میسازد و پریشانی دامن گیر است و از محبت خالص تو بحق تو او هیچ بد نظیر و آیده کمی که از تو و عده دلیکن اضافی او نساخت چندی حال تو باینطور خواهد ماند بلکه بعد ازین بعضی خواهد شد نی بدست تو مال آید و مرضی که داری صحت میسر خواهد شد مگر قبل از شمس

زحل
قمر
مشتری
عطارد

معاش متردد بودی بملازمت حسب دلخواه کامیاب خواهی شد و اگر از کسی اتفاقی در این روزها
واقع شده بود از آن اتفاق کامل خواهد شد و اگر تمنای محبوب و فرزند داری بدیر بر این
مقصد کامیاب شوی غرض که چند روز از صبر و شکر گذاردن باید تا که هر مصیبت و رنج دور
گردد و راحت و شادمانی پدید آید اگر انگشت تو بر مشتری افتد بیمنت دولتی بدست
تو افتد و چند روز بفرحی و شادمانی گذرد دوستی که از او مفارقت شده باز از وصل وی خرم
شوی هر چه رنج و الم داری از خاطر دور شود و از تنگدستی گشایشی حاصل شود و اگر تمنای فرزند
داری پسر سعادتمند تولد گردد و از جائی خلعت زعفرانی یا پر زر حاصل آید اگر غم دوری
و مهجوریت دور شود و اگر مال تو بغارت دزدان رفته آنها گرفتار شوند و اگر مابین دوستان
رنجشی واقع شده باهم رفع شکررنجی گردد و اگر از پیاده پائی رنجور هستی اسب راهوار بدست
خواهد آمد بروز پنجشنبه دال نخود و چوب زرد صدقه باید داد اگر انگشت تو بر مریخ افتد
در جسم تو حرارت ظاهر شده و دشمن ضعیف در پی ضرر تو هست ایام نحس پیش آیند کاری که بنظر
تو بر آمدن او آسان است دشوارتر گردد و پریشانی خاطر لاحق حالت خواب و خور نسبت سابق
کمتر گردد در خاطر تو شغل جنگ و جدل مشتعل گردد و از لباس سرخ دل تو خوشحال گردد و دلی
براین منوال گذرد و بعد چندی خوشحالی پدید آید هر اندوه و تفکر که لاحق حال شده باشد مبدل
براحت و شادمانی میگردد دال عدس و گوشت و سپند در بروز داده باشد تا که از شر او
محفوظ ماند اگر انگشت تو بر شمس افتد هر امید که داری زود بر آید اگر تعلق خاطر بر معشوقی
است بوقت شدت حرارت شمس معشوقش گاهگاه خشمگین گردد همه کار با حسب دلخواه
بر آیند مفلسی از تو بتوانگری مبدل شود مرض شفا پذیر گردد و از قسم جواهرات و یاقوت
و لعل و مرجان بدست آید اگر کسی از سرکشی با او جنگ کند بروی ظفر نیابد و از جائی مژده
شادمانی برسد اگر تمنای پسر داری فخر خاندان تو تولد شود و اگر باهم [illegible] باشد باندک رنجی
رفع شود بروز یکشنبه گندم و شیر صدقه باید داد اگر انگشت بر زهره افتد عزیزی که
در شهر دیگر رفته باشد باز آید و اگر برای سواری خاطرش میل دارد اسب باده برنگ
فلک یا نقرئی بدست آید اگر در دل غمی دارد شخصی سخنوری بیاید که آن غم را از خاطر او

بیرون میآورد و از کسی نقصان و رنجیده خاطر است نفع حاصل شود و که نقصان
فراموش گردد اگر مرضی دارد زود تر شفا یابد از امردی یا خواجه سرائی یا زنی نفع
حاصل شود اگر زراعت خواهد کرد از دولت مالامال خواهد گردید غرض که همه حاجتهای
تو برآید بروز جمعه مونگ و روغن صدقه بدهد اگر انگشت بر عطارد افتد از
علم بهره اندوز گردد و اگر شیفته محبوبی دلارامست و در اشتیاق وصل وی بیتاب
و بیقرار است بعد از مدتی از وصل او کامیاب گردد هر مشکلی که داری از توقف
حل میشود اگر مرضی دارد از آن صحت خواهد یافت در علاج کردن تساهل نباید
کرد اگر چند روزی از سختی خواهند گذشت لیکن بعدش ایام سعادت پیش
خواهد آمد و کوکب بختش درخشان خواهد شد صاحب دولت و ثروت دستگیری
او کند و بسیار مهربان گردد و از دولت مالامال خواهد گردانید بروز چهارشنبه
پارچه برنگ فاختائی و مونگ صدقه باید بدهد اگر انگشت بر قمر افتد عیش و عشرت
رونما باشد چونکه این سیاره سریع التاثیر است هر حاجتی که دارد زود حاصل
گردد در بخت او بامارت رسیدنست عجب نیست که وزارت شاهی حاصل شود و دشمن
مخالفش زود پامال گردد و غمی که دارد دور شود و از درویشی کامل ملاقی گردد و وی
او را علم کیمیا آموزد اگر نزول تیره او مستولی است از آب پرهیز لازمست حالا
که در این روز خاطر او پریشان مگر شتاب صورت اطمینان مشاهده کند اگر تمنای
فرزند دلبند دارد فرزند سعادتمند خداوند تعالی عنایت فرماید و محبوبی به لقا
بدست آید که دلش از آن آرام یابد بروز دوشنبه برنج و خرما صدقه بدهد

فصل ششم در بیان ماههای قمری و تاریخهای نحس و قمر در عقرب

ماهران فن و کاملان نجوم در خواندن عملیات رعایت ماههای قمری همچون ماههای
شمسی داشته اند چنانچه هر ماه را سه عشره معین ساخته اند اول عشره بنا بر گشایش و ترقی
و فتوح دوم بنا بر محبت و تسخیر سوم بنا بر عداوت و عامل را باید که در این هر دو
لحاظ دارد یعنی بنا بر وسعت روزی و تسخیر و شفای مرض روز دوشنبه و برای حب

و ترقی دولت روز چهارشنبه و پنجشنبه و جهت هلاکت اعدا روز شنبه و یکشنبه و برای
زبان بندی وغیره روز یکشنبه و سه شنبه معین سازد و خیال تاریخهای ذیل پیش نهاد دارد
در شرح سفر السعادت از حضرت عباس نقل کرده است که در هر ماه هفت روز نحس است
از آن حذر باید نمود سه و پنج و شانزده و بیست و یک و بیست و چهار و بیست و پنج از حضرت
علی علیه السلام روایت کرده اند که عاقل را باید که در این روز کار جدید آغاز ننماید چراکه
کارش بانجام نخواهد رسید والله اعلم بالصواب و در هر کار جدید خیال در عقرب نیز
باید داشت شاعری این حساب را منظوم ساخته برای ملاحظه درج کرده میشود

عقرب باشد اندر هر مهی دو نیم روز از دو گران	هر که کاری کو کند بیند خطر آنگه زیان
یازده اندر اساڑه و هشت اندر ساونست	شش به بهادون سه باسن یک بکاتک
بیست و هشت آمد باگهن بیست و شش آمد به پوس	بیست و سه در ماگه آمد بیست و یک بهاگن بدان
پنجم آمد چیت بشمر شانزده بیساکه گیر	سیزده در جیٹهه گیر این نمیدانی بدان

باب سوم و در آن دو فصل

فصل اول در بیان معنی اعداد و ابجد در اکثر رسائل مرقوم است که عامل را برای
نقش پر کردن دانستن حساب جمل ضروریست ولی دریافت اعداد حروف در اکثر امور
دقت پیدا میکند لهذا اعداد نوشته میشوند اول معنی ابجد دریافت باید کرد در منتخب اللغات
و غیاث نوشته است که مراد اسم شخصی است که نوشتن از او ایجاد شده است و این هشت
کلمات یعنی ابجد و هوز وغیره اسمهای هشت فرزندان او هستند و در رساله ضوابط عظیم
آغاز کرد هوز بدست آمد حطی واقف شد کلمن سخنگو شد سعفص این آموخت قرشت
ترتیب کرد ثخذ نگاهداشت ضظغ تمام ساخت و نیز اهل لغت معانی این الفاظ
دیگر هم هستند در این مختصر رساله مختصر نوشته شد جدول ابجد که در صفحه چند نوشته میشود
از علم جفر اخذ کرده شده است ایزا هفت کلمه هستند و هر کلمه چهار حرفی است و
هر یک کلمه به سبعه سیاره تعلق دارد و در این هفت حروف آتشی و هفت بادی
و هفت آبی و هفت خاکی هستند من جمله این حروف حرفی که سر اسم شخصی باشد

تعلق اسم او از آن ستاره باشد پس باید که بخور موافق آن ستاره بسوزاند
تا انشاء الله تعالی زود تر اثر خواهد بخشید و مقصد او حسب دلخواه خواهد برآمد

طبیعت عناصر	زحل ابجد	مشتری هوزح	مریخ طیکل	شمس منسع	زهره فصقر	عطارد شتثخ	قمر ذضظغ
آتشی	ا ١	ه ٥	ط ٩	م ٤٠	ف ٨٠	ش ٣٠٠	ذ ٧٠٠
بادی	ب ٢	و ٦	ی ١٠	ن ٥٠	ص ٩٠	ت ٤٠٠	ض ٨٠٠
آبی	ج ٣	ز ٧	ک ٢٠	س ٦٠	ق ١٠٠	ث ٥٠٠	ظ ٩٠٠
خاکی	د ٤	ح ٨	ل ٣٠	ع ٧٠	ر ٢٠٠	خ ٦٠٠	غ ١٠٠٠

فصل دوم در بیان حروف تهجی است

عاملان فن عمل و کاملان علم نجوم را لازمست که اول زکوة حروف تهجی دهند و
بعد از آن هر عملی که خواهند بخوانند تا تاثیرش زود تر بظهور خواهد آمد و از جهت حفظ خواهند
اما اکثر اشخاص عمل خواندن آغاز میکنند و زکوة حروف تهجی نمیدهند آخر الامر بجهت
ارتقا مبتلا میشوند یا دست از جان عزیز میشویند و آنرا جهت میگویند که در اثنای عمل خواندن
بی احتیاطی بظهور میآید و بسبب آن بی احتیاطی عمل برعکس میگردد و خواننده عمل
خراب و برباد میشود و بعضی میگویند که این بیست و هشت حروف اسم باری تعالی جل شانه
هستند که فرشتگان بآن اسمها تسبیح خداوند عز و جل میگویند و عظمت و شان آنها ظاهر
است و بعضی گویند که اینها الفاظ قران مجید اند و هر اسمی از اینها ترتیب میابند طریقه زکوة
اینها بسیار اند مگر آسان طریقه اینست که روز مره هر حرف را چهار هزار و چهار صد و چهل و چهار
مرتبه تا بیست و هشت روز بلا فاصله بخوانند و اگر مشکلی پیش آید یکهزار و هشتصد مرتبه
در یک نشست بخوانند که آن مشکل حل خواهد شد لیکن طهارت جسم و لباس و جای طاهر و در
و آن اینست

بسم الله الرحمن الرحیم

یا اسرافیل بحق یا الف — یا جبرائیل بحق یا با — یا عزرائیل بحق یا تا
یا میکائیل بحق یا ثا — یا کلکائیل بحق یا جیم — یا تنکفیل بحق یا حا

یا ممکائیل بحق یا خاء	یا دردائیل بحق یا دال	یا امرائیل بحق یا ذال
یا امواکیل بحق یا راء	یا شرفائیل بحق یا زاء	یا هموا کیل بحق یا سین
یا همواائیل بحق یا شین	یا اهجیائیل بحق یا ضاد	یا عطکائیل بحق یا صاد
یا اسمائیل بحق یا ظاء	یا الموزائیل بحق یا طاء	یا لومائیل بحق یا عین
یا لوخائیل بحق یا غین	یا سرحماکیل بحق یا فاء	یا عطرائیل بحق یا قاف
یا حروزائیل بحق یا کاف	یا طاطائیل بحق یا لام	یا دوبائیل بحق یا میم
یا هوزائیل بحق یا نون	یا دفمائیل بحق یا واو	یا دوریائیل بحق یا هاء
	یا سرکیطائیل بحق یا یاء	

باب چهارم مشتمل بر سه فصل

فصل اول در فوائد و اقسام تعویذات باید دانست که تعویذ را چهار اقسام است آتشی
بادی - خاکی - آبی تعویذ آتشی آنرا گویند که بر کاغذ یا بر سفال آب نارسیده یا پوست آهو
یا لوح چینی نوشته در آتش اندازند یا قریب دیگدان دفن سازند برای فتوحات و خواب بندی
وغیره است و تعویذ بادی اینست که تعویذ را بر درخت یا جائی بلند آویزان کنند تا که از باد
جنبش کند برای حب و زبان بندی است و تعویذ آبی اینست که تعویذ در دریا یا نهر یا حوض
یا چاه اندازند برای تسخیر یا خلاصی مقید وغیره باید کرد و تعویذ خاکی اینست که زیر آستانه
یا راه یا چوراهه یا کوهستان وغیره دفن کرده شود برای هلاکی دشمن وغیره است اگر تعویذ
آتشی نویسد خیال این شروط میدارد که بر یک زانو نشسته روی خود بطرف مشرق سازد
و قریب دیگدان یا تنور نویسد و اگر تعویذ بادی نوشتن منظور گردد اینمعنی را پیش نظر دارد
که بنا بر شخصی تعویذ نوشتن است در اسم او این یازده حرف نباشند ا ب ج د و ق
ه ل ن ص ط و باید که بر جای بلند نشسته تعویذ بنویسد که در آنجا آمد و رفت باد بخوبی
باشد و رو بطرف مغرب کند و اگر تعویذ آبی نویسد بر کنار دریا یا حوض نشسته نویسد
اگر در آب نشسته باشد انسب است و رو بجانب شمال کند و اگر خاکی نویسد این چهار شروط را
ملحوظ میدارد خانه از غیر کس خالی باشد و رو بجانب جنوب گردد و اندکی بوی خوش بسوزاند
مثل عود و از یک زانو بر زمین نشیند و آن تعویذ را نویسد تا که اثر بخشد.

فصل دوم در بیان تعویذ نوشتن هر که تعویذ نوشتن خواهد برای زبان بندی و خواب
بندی در ساعت عطارد قلم درست سازد و جهت تیغ بندی در ساعت مریخ و بنا بر دشمنی و
مفارقت در ساعت زحل و برای الفت در ساعت قمر یا مشتری و برای ترقی رزق در ساعت
زهره. و اوقات نوشتن اینست وقت تسبیح برای محبت و برای ترقی رزق وقت چاشت
تعویذ دفع مرض و تعویذ عداوت در میان ظهر و عصر تعویذ زبان بندی وقت نماز
عشا تعویذ خواب بندی را ساعت عطارد است این اوقات نوشتن تعویذات از خضر
و داود سبزپوش و ابوالقاسم غزالی رحمهما الله منقول است و شرائط نوشتن تعویذ اینست که
جمله تعویذات با طهارت جسم و با وضو نویسد و قبل از نوشتن خود را خوشبو کند و در
آغاز هر تعویذ اول ۸۶ عدد بسم الله نویسد و وقتیکه نوشتن آغاز کند اول یا حافظ یا
رقیب یا وکیل بخواند و بر خود بدمد از رجعت محفوظ ماند و باین تعویذ نوشتن با احدی
حرف و گفتگو نکند و از افتادن سایه زنان نجس و غیر محرم پرهیز نماید و اگر تعویذ محبت نویسد در
عروج ماه قلم در دست گیرد و کاغذ بر زانوی راست نهد و چیزی از شیرینی در دهان گیرد
و فکر در فتیله روشنی اندازد و تعویذ را از مشک و زعفران نویسد انسب است و خیال مطلوب
در دل دارد چنانکه رو بروی او موجود است و روی خود بسوی خانه مطلوب کند و تعویذ محبت
برای حرام هرگز نباید نوشت **قاعده** اگر خواهد مرد با زن الفت کند اول اسم زن بعد اسم
مرد نویسد و تعویذ برای مرض و سحر بجوشش دل نویسد و اگر برای عداوت نویسد اول
کاغذ بر زانوی راست نهد بعد قلم در دست گیرد و چیزی ترش یا تلخ در دهن گیرد و در
اندکی سرکه آمیخته نویسد و بلیته که بهندی آنرا هنگ میگویند بسوزاند و در آخر ماه نوشتن
بسیار مفید است مگر تعویذ برای مفارقت زن و شوهر هرگز نباید نوشت اگر بنویسد گناهکار باشد
و اگر تعویذ زبان بندی و تیغ بندی و خواب بندی منظور باشد اندکی موم در دهن گیرد و زبان را
زیر دندان نهد و وقتی که تعویذ را تمام کند زبان را گشاده بلیته که گوید و تعویذ زبان هندی زنگ
برکند و اگر تعویذ خواب بندی و تیغ بندی خیره نویسد میل گرد در دهان گیرد و تعویذ را از سیاهی پر کند

فصل سوم در بیان پُر کردن نقش

قاعده پر کردن نقش اینست که هر اسم یا آیتی را بنقش پر کردن منظور باشد اندر آن اسم یا آیه هر قدر حروف بنوشتن میآیند عدد آنها بر آورد و حرفیکه خوانده نمیشود مگر در تحریر عددش باید گرفت وقتیکه حروف بر آورده شدند از آنجمله دوازده عدد ساقط کنند باقی را سه حصه ساخته یکحصه را در خانه اول نویسد مثلاً خوا در این لفظ حروف مکتوبی سه است خ و ا در ملفوظی چهار هستند یکی خ دو واو یک الف پس عدد حروف مکتوبی پانزده هستند از آنجمله دوازده آنرا حذف کردیم سه باقی ماند آنرا سه حصه ساختند یکیک در حصه بر آمد آن یک حصه را در خانه اول نویسد بعد از آن یک بر آن یک افزوده در هر خانه نویسد بر این منوال که اول عدد بمقامی که نوشته بموجب رفتار اسب شطرنج هر خانه که باشد در آن دوئمی عدد نویسد و سوم عدد نیز بر رفتار اسب خانه که بعد دوم خانه افتد بنویسد و عدد چهارم در آنخانه نویسد که از خانه سوم بر رفتار رخ باشد و پنجم در آنخانه نویسد که از خانه چهارم بر رفتار فرزین باشد و ششم در آنخانه نویسد که از خانه پنجم بر رفتار فرزین باشد و هفتم در آنخانه نویسد که از خانه ششم بر رفتار رخ و هشتم در آن خانه نویسد که از خانه هفتم بر رفتار اسب و نهم در آنخانه نویسد که از خانه هشتم بر رفتار اسب باشد پس همه خانهای مثلث پر شدند در نقش مثلث تا وقتیکه بعد حذف کردن دوازده اعداد بر سه منقسم نشوند نقش پر کرده نمیشود مشهور مثلث

٨ اسب	١	٦ فرزین
٣ اسب	٥ فرزین	٧ رخ
٤ رخ	٩ اسب	٢ اسب

دو اسب رخ دو فرزین با رخ گیر   دو اسب آخر مثلث راست تصویر

در کتب معتبره طریقه پر کردن نقش مثلث آتشی بادی آبی و خاکی و کسور آن باین طریق نوشته است که آتشی را از خانه اول آغاز کند و کسر اعداد در خانه هفتم و دو را در خانه چهارم و بادی را از خانه سوم پر کند و کسر یک در چهارم و کسر دوم در هفتم و آبی را در خانه هفتم نویسد کسر یک در چهارم و کسر دوم در هفتم و خاکی را از خانه نهم آغاز کند و کسر یک در چهارم و کسر دوم در هفتم پر کند انشاء نقش مثلث مکمل خواهد شد و نقشها در صفحه بعد است آگاه باید دانست که طریقه پر کردن نقش مربع اینست که بهمان قاعده اعداد بر آورده بر آنجمله سی عدد خارج سازد و باقی را بر چهار تقسیم کند اگر تقسیم مساوی آید یکحصه را در خانه اول نویسد مثلاً اگر کل اعداد سی و چهار اند بعد کم کردن

سی چهار باقیماند چهار را بر چهار تقسیم کردند تقسیم مساوی شد در حصه یک یک آمد یکعدد را

	آتشی	
۶	عزرائیل	
کسر۱	۵	
۲	۹	۴کسر۲

	بادی	
۴کسر۱	۳	۸
۹	۵	اسرافیل
۲	۷کسر۲	۶

	آبی	
	۳	۴کسر۱
میکائیل	۵	۹
۶	۷کسر۲	۲

	خاکی	
۴کسر۱	۹	۲
۳	۵	۷کسر۲
۵	جبرائیل	۶

در اول خانه نوشته شد بعد اعداد دومی را بهمان خانه نویسند که از خانه یک برفتار اسب باشد
در خانه نویسند که از خانه دوم برفتار فرزین باشد و چهارم در خانه که از خانه سوم برفتار اسب
باشد و پنجم در خانه که از خانه چهارم برفتار رخ باشد و ششم در خانه که از خانه پنجم برفتار اسب
باشد و هفتم در خانه که از خانه ششم برفتار فرزین باشد و هشتم در خانه که از خانه هفتم
برفتار اسب باشد و نهم در خانه که از خانه هشتم برفتار فیل باشد مگر باین صورت که از دیگر
اعداد در رفتار فیل مسدود نباشد و دهم در خانه که از خانه هفتم براه فیل باشد و
یازدهم در خانه که از خانه ششم برفتار فیل باشد و دوازدهم از خانه که از خانه پنجم
برفتار فیل باشد و سیزدهم بخانه که از خانه چهارم برفتار باشد و چهاردهم بخانه
که از خانه سوم برفتار فیل باشد و پانزدهم بخانه که از خانه دوم برفتار فیل باشد
و شانزدهم به خانه که از خانه یکم برفتار فیل باشد پس همه خانه ها پر خواهند شد
و اگر بعد از تقسیم یکعدد باقی ماند مثلاً کل عدد سی و پنج هستند سی را حذف کردند
پنج باقی ماند پنج را بر چهار تقسیم کردند یک حصه شد و یک باقی ماند یک حصه یکی
خانه نوشته شد و نوشته باشد حتی که تا خانه سیزدهم برسد اندر آن یک عدد زیاده
کنند و اگر دو عدد بعد تقسیم باقیماند در اینصورت در خانه نهم یکعدد زیاده کنند اگر سه عدد
باقیماند در خانه پنجم یک زیاده کنند مثالش در صفحه چپ نوشته شده است

پہلی مثال اسکی جو پر ۳۴ تقسیم کیجئے یعنی

۱	۱۴ پیل کا	۱۱ پیل کا	۸ اسب
۱۲ پیل کا	۷ فرزین	۲ اسب	۱۳ پیل کا
۶ اسب	۹ پیل کا	۱۶ پیل کا	۳ فرزین
۱۵ پیل کا	۴ اسب	۵ رخ	۱۰ پیل کا

دوسری مثال اسکی بعدد ۳۸ تقسیم کیجئے

۱	۱۵	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۴
۶	۹	۱۷	۳
۱۶	۴	۵	۱۰

تیسری مثال اسکی بعدد ۳۶ تقسیم کیجئے دو طریقین

۱	۱۵	۱۲	۸
۱۳	۷	۲	۱۴
۶	۱۰	۱۷	۳
۱۶	۴	۵	۱۱

چوتھی مثال اسکی کہ بعدد ۳۷ تقسیم کی ...

۱	۱۵	۱۲	۹
۱۳	۸	۲	۱۴
۷	۱۰	۱۷	۳
۱۶	۴	بخانہ ۵ ۶	۱۱

شعر مربع اسب فرزین است رخ باز اسب فرزین اسب گیر پیل داری در مربع هر طرف دوری بگیر

و برای پر کردن شلث مربع طریق دیگر هم هستند ولی در اینجا بهمین مختصر اکتفا کرده شد

باب پنجم در بیان عملیات و تعویذات مشتمل بر پنجده فصل

فصل اول در عملیات و تعویذات برای رفع حاجات

وقتی کسی را حاجتی پیش آید باید که وقت نماز عشا یا حی یا قیوم برحمتک لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین ما هفتاد مرتبه بخواند و بعد هر ظالمین اظهار مطلب خود نماید انشاء الله تعالی در میان عرصه هفته مطلبش حاصل گردد مجرب و آزموده است حضرت شاه ابل الله ره در چار باب نوشته اند که برای هر مقصدی خواه جلالی باشد یا جمالی برای او حکم کبریت احمر دارد و آنرا اسم اعظم شمار کرده اند لا تا من الظالمین است و حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده که ایندعا ذو النون وقت در شکم ماهی خوانده هر مسلمانی که برای مطلب خود این آیت را خوانده و دعا کند قبول خواهد شد و حق اینست که ایندعا بدرجه غایت مجربست بهر امری که خواهد ذریعه این آیه مقصد باشد حاصل کند و نقل است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده اند که هر که بذریعه این آیه دعا کند مستجاب شود و عجب است که کسی بذریعه این آیه دعا کند و مستجاب نگردد و بسرعت تاثیر همه مشایخ اجتماع کرده اند و طریقه ختم این

بسیار اند و طریقه آسان دو هستند از آنجمله اینست که تا دوازده روز بلا فاصله دوازده هزار
مرتبه بخواند طریقه دوم اینست که هر روز تا چهل روز یک لکه و بیست و پنج مرتبه بخواند خلاصه اینست
که سریع التاثیر است و در آن شکی نیست چرا که عملی نیست که صحت آن از فرقان حمید مشهور گردد
ایضًا از حضرت مشائخ منقولست که یَا بَدِیعَ الْعَجَائِبِ بِالْخَیْرِ یَا بَدِیعُ یکهزار و دویست
مرتبه تا دوازده روز بر فرش طاهر برجوع قلب بخواند و بر همان فرش بخوابد و هر روز غسل کند
و از گوشت وغیره پرهیز نماید **برای حصول مدعا و برآمدن حاجات مجربست** هر که
بنا بر حصول مقصد بکثرت بخواند انشاء الله تعالی مرادش برآید هر مرض را و زد شریف دافع
و هر بلا و درد و ورد شریف بسیار مجربست **ایضًا** در بیان ختم صلوٰة تنجینا در عروج ماه شب
جمعه آغاز نماید وقتی که خواندن منظور باشد آن روز را روزه دارد و وقت افطار بشیر برنج فطار
نماید و غسل نماید پارچه طاهر مثل چادر وغیره بپوشد و بزیر آسمان ایستاده یکهزار مرتبه بخواند
انشاء الله تعالی در سه شب مطلبش برآید برای هر حاجتی بسیار مجربست و ورد شریف اینست
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلٰوةً تُنَجِّیْنَا بِهَا مِنْ جَمِیْعِ الْاَهْوَالِ وَالْاٰفَاتِ وَتَقْضِیْ لَنَا
بِهَا جَمِیْعَ الْحَاجَاتِ وَتُطَهِّرُنَا بِهَا اَقْصَی الْغَایَاتِ مِنْ جَمِیْعِ الْخَیْرَاتِ فِی الْحَیٰوةِ
وَبَعْدَ الْمَمَاتِ **ایضًا** برای جمیع حاجات یک لکه بیست و پنج هزار مرتبه در یک مجلس یک نفر
یا چند نفر بخوانند لیکن بعدد طاق باشند آیه کریمه اَمَّنْ یُّجِیْبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ هر
مشکلی که پیش آید زود تر آسان گردد مجربست **ایضًا** ترکیب ختم خواجگان حضرت خواجه بهاء
الدین نقشبند و خواجه بایزید بسطامی و خواجه ابو الحسن خرقانی و خواجه عبد الخالق غجدوانی
و خواجه احمد دوانی و خواجه ابو المنصور ماتریدی و خواجه یوسف همدانی و خواجه بابا سماسی خواجه
محمد نقشبند و خواجه عبد الله احرار هر که این ختم را تا سه روز بخواند خداوند تعالی یکهزار حاجتهای او را
روا فرماید ترکیب خواندن اینست که اول قدری شیرینی گرفته الحمد یک مرتبه و قل هو الله سه بار بخواند
ثواب آن را بارواح پاک خواجگان قربت نماید و هفت مرتبه الحمد بخواند و یکصد مرتبه هر سوره که بخواهد
با بسم الله بخواند و بوی خوش بسوزاند و هر اسم را یکصد و یکبار بخواند یَا قَاضِیَ الْحَاجَاتِ یَا کَافِیَ
الْمُهِمَّاتِ یَا دَافِعَ الدَّرَجَاتِ یَا دَافِعَ الْبَلِیَّاتِ یَا مُفَتِّحَ الْاَبْوَابِ یَا شَافِیَ الْاَمْرَاضِ

یا حلال المشکلات یا مسبب الاسباب یا مجیب الدعوات یا ارحم الراحمین آمین
این ختم شریف را وقتیکه خواهد بخواند بهتر آنستکه بروز دوشنبه یا پنجشنبه یا جمعه شروع کند و اکثر مشایخ
کبار رحمهم الله فرموده اند که بعد از نماز عصر بخوانند این ختم برای حصول مطالب بس مفید است **ایضاً** برای یکی
برای حصول مقصد ختم سوره یس بخواند خدا یتعالی حاجت رفع فرماید و طریق خواندنش اینست که در یک
جلسه یک یا سه یا پنج یا هفت کس باهم هفتاد و دو مرتبه بخلوص دل در مسجد نشسته بخوانند و قبل از خواندن
یکصد مرتبه ورد شریف خوانده شود اینعمل اکثر از مشایخ کبار منقول و آزموده اهل حاجات است
ایضاً وقتی که مشکلی سخت پیش آید این رباعی شیخ ابو الخیر رحمه را باینطریق اول وضو گیرد و بعد روی
بقبله بنشیند و شیرینی گرفته فاتحه حضرت ممدوح کند و ورد شریف را بعد طاق بخواند هفتاد مرتبه رباعی
و خیال مطلب خود در دل دارد و هر مرتبه بعد رباعی بحق شیخ ابو الخیر سعید گوید وقتی که بموجب تعداد مرقومه بالا
رباعی را خواند ختم کند و ورد شریف بخواند این رباعی اثر دعای قاضی الحاجات دارد و رباعی اینست

یارب بمحمدؐ و علیؑ و زهراؑ	یارب بحسینؑ و حسن آن آل عباؑ
کز لطف برآر حاجتم در دو سرا	بی منت خلق یا علی الاعلی

ایضاً این نقش تمام اعداد قران مجید است بزرگی فرموده که برای حصول مطالب
از بس مفید است طریقه زکوة آن بسیار اند لیکن طریقه آسانترش این استکه این
نقش متبرک را هر روز تا پنج چله سیصد و پنجاه و یک حسب اعداد لفظ قران نوشته

در آرد غلوله بسته در دریا اندازد انشاء الله تعالی
بعد ختم چله بعمل خواهد آمد خوشا قسمت کسی که این
عمل نقش درآید بعد آن را حاجت امری بخواهد
ماند هر یک نقش یک اسم میباشد و نقش اکثر
اسماء است چرا عاملش محروم بماند وقتی که
مهمی یا حاجتی پیش آید این نقش را دو هزار و
پنجاه بموجب اعداد الله کافی المهمات و قاضی
الحاجات نوشته حسب فرموده در دریا اندازد

۹۰۴۲۳۳۱۸	۹۰۴۲۲۳۳	۹۰۴۲۲۳۲۵	۹۰۴۲۴۱۱
۹۰۴۲۲۳۲۴	۹۰۴۲۴۱۲	۹۰۴۲۳۱۷	۹۰۴۲۲۳۲۴
۹۰۴۲۳۱۳	۹۰۴۲۲۲۷	۹۰۴۲۳۲۰	۹۰۴۲۳۱۶
۹۰۴۲[illegible]	۹۰۴۲۳۱۵	۹۰۴۲۳۱[illegible]	۹۰۴۲۳۲۹

ایضاً طریق عمل سورهٔ اخلاص اینست که بروز پنجشنبه در عروج ماه بتاریخ طاق روزه بدارد و از شب گذشتن سه پاس غسل کند و بشیرینی فاتحه موکلان دهد و برای خوشبوئی لوبان بسوزاند و اول و آخر درود شریف چهارده مرتبه خواند و سورهٔ اخلاص چهار صد مرتبه بخواند و این نقش را نویسد انشاء الله تعالی بمقصد خواهد کامیاب شود

ک ه ی ع ص بحق یا جبرائیل — بسم الله الرحمن الرحیم — ح م ع س ق بحق یا میکائیل

قل	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد
هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم
الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد
احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم
الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن
الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له
لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا
یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا	احد

ایضاً هر کس را که مصیبتی پیش آید آیهٔ قطب بخواند خواص این بسیار است از آنجمله چند خواص بتجربه میآیند اول اینست که اگر مهمی پیش آید چهل مرتبه هر روز بلا فاصله بخواند دوم این است که برای هلاکت ظالم بیست و یکمرتبه هر روز بلا فاصله بخواند تا بیست و یکروز سوم اینست که دفع غم و فکر بیست و نه مرتبه هر روز تا بیست و نه روز چهارم برای توانگری هر روز ده مرتبه خوانده شود پنجم برای تب لرزه بر سفال یا چینی نوشته مریض بخوراند ششم برای سلامتی اهل و عیال و مال وغیره هر روز پنجمرتبه بخواند برای هر مرض و نظر بد و سحر نقش آیه کریمه را نوشته بر گلو ببندد انشاء الله تعالی از مرض و سحر و نظر بد نجات یابد و نقش در میان صفحه نوشته شد و نقش دیگر در صفحه بعد

۵۵۳۵	۵۵۴۸	۵۵۲۵	۵۵۴۱
۵۵۴۶	۵۵۳۱	۵۵۳۹	۵۵۳۴
۵۵۳۰	۵۵۴۲	۵۵۵۰	۵۵۳۷
۵۵۴۹	۵۵۲۸	۵۵۳۹	۵۵۳۸

ایضاً این نقش فاتحه برای
رفع جمیع حاجات تا چهل و
یکروز سیصد و سی و دو نقش
نوشته در آرد حب ساخته
در دریا اندازند انشاء الله

۱	۳۲۷	۳۴۲	۳
۳۲۷۵	۷	۸	۳۶۷۷
۴	۳۳۲۷	۳۶۴	۸
۳۲۷	۴	۵	۳۶۷۲

حاجتش بر آید برای شفای امراض بر کاسهٔ چینی نوشته بشویند بمریض بخورانند انشاء الله از مرض شفا
یابد

فصل دوم در عملیات و تعویذات جهت وسعت رزق غیره

هر که برای وسعت رزق و طلب جاه و حرمت این آیه را یکمرتبه با حضور قلب بخواند رزق
او از غیب فراخ گردد آیهٔ کریمه اینست اَللّٰهُ لَطِیفٌ بِعِبَادِهٖ یَرْزُقُ مَنْ یَشَاءُ
وَهُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِیزُ ایضاً هر کسی بوقت چاشت چهار رکعت نماز به نیت چاشت
بخواند در رکعت اول بعد از حمد سوره والشمس و در رکعت دوم بعد از حمد سوره
واللیل و در رکعت سوم سوره والضحی و در رکعت چهارم سوره الم نشرح بخواند
و سلام گوید یازده مرتبه درود شریف بخواند بعد پانزده مرتبه اذا جاء نصر الله را
بخواند و پانصد مرتبه یا باسط بخواند و بعد سجده کند و دستها را برای دعا گردن
بلند کند و این دعا را پانزده مرتبه بخواند یا باسط الله الذی یبسط الرزق لمن
یشاء بغیر حساب و سر از سجده برداشته یازده مرتبه درود شریف را بخواند
و این عمل را تا چهل روز برابر کند و بروز پنجشنبه در عروج ماه آغاز کند ایضاً
از خواجه بهاء الدین قدس سره منقول است که هر که سورهٔ الم ترکیف بعد از
نماز ظهر بیست و یکمرتبه بخواند رزق او از غیب گشاده گردد ایضاً برای فتوحات
باید که در ماه صفر بروز چهارشنبه آخر آغاز نماید و بعد هر ماه بروز چهارشنبه در دریا یا
حوض غسل کند و در آب ایستاده هشتاد و سی مرتبه یا باسط بخواند این طریقه
بسیار آسانست و از بزرگان طریقت طریقه های دیگر هم منقولست در اینجا
اختصار بهمین کفایت کرده شد ایضاً برای ترقی رزق و جمعیت ظاهری

و باطنی در عروج ماه روز پنجشنبه روزه دارد و بعد از نماز فجر غسل کند و دو رکعت نماز
به نیت صادق انجح بخواند و در هر رکعت بعد حمد آیة الکرسی یکبار و اذا جاء بیست و پنج بار بخواند
سلام گوید و بعد از سلام ورد شریف سیصد مرتبه و یکصد مرتبه کلمهٔ تمجید بخواند و بعد در یک
نشست چهل و چهار هزار مرتبه اسم یا وهّاب را بخواند و روزه را بشیر برنج افطار کند چهل و
چهار پنجشنبه این عمل را بکند و بعد از ختم عمل هر روز بعد از نماز عشا یکهزار و چهارصد مرتبه بخواند
و وقت خواندن یک ته بند ببندد و آنرا بدیگر کاری مستعمل نسازد ایضاً اسم یا مغنی یکهزار و
یکصد مرتبه بعد هر نماز و چهل و یک مرتبه سورهٔ مزمل بخواند و اگر ممکن نباشد اگر کسی یازده مرتبه بخواند
غنی گردد بعد محتاج نگردد و از بس مجرب است ایضاً هر که سورهٔ واقعه را هر شب یکبار بخواند
رنج فاقه کشی نه بیند و در چند روزی غنی گردد ایضاً برای گشایش رزق و دفع مفلسی این
نقش را بر نگین کنده نزد خود نگاه دارد و مجرب و آزموده است الاله انتا البصرة ۱۱۱
۱۱۱ اماه ایضاً ترتیب ختم بسم الله شریف اینست که اول در شرف آفتاب هر دو نقش
بسم الله با طهارت نویسد و روز مرّه هفتصد و هشتاد و شش مرتبه که همین اعداد بسم الله است
بسم الله را تا هفت روز بخواند هر مشکلی که پیش آید آسان گردد و بعد هر روز بعد از فراغ پنجگانه دوازده
یکصد و سی و دو مرتبه بخواند مستجاب الدعوات متولّی رزق و دست و احدی بروی غالب نخواهد آمد
و گشایش رزق و روز افزون باشد و این مربع را مدام با طهارت نزد خود بدارد و از خوشبوی معطر
داشته باشد فایداتش بسیار است که در این مختصر گنجایش آنها نیست و شاعری خوش گفته

خوش بگوای یار بسم الله را   هر چه میجوئی ز بسم الله بجوی

باید که دو مربع بنویسد یک مظهر دوم مضمر مربع مظهر بر پشت مضمر نویسد

١٨٩	٢٠٢	١٩٦	١٩٩
٢٠٠	١٩٥	١٩٠	٢٠١
١٩٤	١٩٧	٢٠٥	١٩١
٢٠٣	١٩٢	١٩٣	١٩٨

مضمر اینست

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن
الرحمن	الرحیم	بسم	الله

ایضاً بدانکه در تمام قرآن مجید یکصد و سیزده بسم است و جملهٔ حروف آن نهاده هزار و یکصد

نقش سلیمانی

چہل وہفت اند وکل اعداد اینہا ہشتاد وہشت ہزار وہشتصد وہیجدہ است نقش
اینہا نوشتہ نزد خود نگاہدارد ترقی رزق خواہد شد وبر بازوی مریض بندد شفا یابد واگر
صدق دل ہر روز بوقت صبح معاینہ کند عزیز خلایق گردد اسنادش بسیا است مگر دراین
مختصر گنجایش تحریر آن نیست **ایضاً** برای گشایش ورفع تنگدستی این نقش را نوشتہ بردیوار
چسپاند

٧٨٦

٢٢٢٠٤	٢٢٢٠٧	٢٢٢١٠	٢٢١٩٧
٢٢٢٠٩	٢٢١٩٨	٢٢٢٠٣	٢٢٢٠٨
٢٢١٩٩	٢٢٢١٢	٢٢٢٠٥	٢٢٢٠٢
٢٢٢٠٦	٢٢٢٠١	٢٢٢٠٠	٢٢٢١١

٧٨٦

٨	١٣	١٢	٧
١١	٦	١	١٤
٥	١٠	١٥	٤
١٦	٣	٩	٦

ایضاً بر دکان کسی کہ فروش اشیا کم میباشد این نقش را نوشتہ بر در بدکان بچسباند
خریدار از غیب پیدا شوند وفروش آن زیاد شود

٧	٣	ع	٢	٤	٥	١
ع	٣	٢	ع	٤	٥	٤
٢	٥	٢	٥	٢	ع	ع
٢	ع	٩	ع	٤	٢	٤
١	٣	٧	٤	٣	٢	٧
٧	٣	٣	٢	٢	٤	٣
٤	ع	٣	٤	ع	٢	٤

ایضاً ہر کہ این تعویذ را نوشتہ نزد خود بدارد رزاق مطلق ورازق برحق روزی او را از غیب ساند و آن نقش مکرم و معظم اینست

٧٨٦

٧٦	٧٤	٧٨	٦٩
٨٢	٧٠	٧٥	٨١
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
٧٩	٧٢	٧٢	٨٤

٧٦	٨٠	٨٣	٦٩
٧٨	٧٠	٧٥	٨١
٧١	٧٥	٧٨	٧٤
٧٩	٧٢	٧٢	٨٤

ایضاً طریقہای اسماء حسنی بسیار اند لیکن آسان طریقہ اینست کہ تمام اسماء شریف را
ہر روز نود ونہ مرتبہ بخلوص نیت بخواند ودر ہر اسم شریف حرف یا بگوید واز گوشت وغیرہ پرہیز
کند زکوۃ تمام شود این طریق برای فراخی رزق مفید است ہر کہ این نقش نود ونہ
اسم باری تعالی را نوشتہ نزد خود دارد رزق از غیب حاصل آید وجدول اعمال
اسماء حسنی مروجہ معتبرہ بحساب حروف ابجد در پشت صفحہ مندرج
میشود

حروف ابجد	اسمائے حسنیٰ	اعداد	معنے	خاصیت	تعداد ورد	نتائج	طبایع	بخور	بروج	منازل	کواکب	جن	موکل
ا	الله	۶۶	خدا	جلالی	۱۰۰۰	مودت	گرم	عود سیاہ	حمل	شرطین	زحل	قبوپوش	اسرافیل
ب	باقی	۱۱۳	ہمیشہ رہنے والا	جمالی	۱۰۰۰	محبت	رطب	شکر	جوزا	بطین	مشتری	دفوش	جبرئیل
ج	جامع	۱۱۴	جمع کرنے والا	مشترک	۷۰	محبت	یابس	دار چینی	سرطان	ثریا	مریخ	نونوش	کلکائیل
د	دیان	۶۵	حساب کرنے والا	جلالی	۷۲	عداوت	بارد	صندل سرخ	ثور	دبران	شمس	طیوش	دردائیل
ہ	ہادی	۲۰	راہ دکھانے والا	جمالی	۱۰۰	عداوت	گرم	صندل سفید	حمل	ہقعہ	زہرہ	ہموش	دردیائیل
و	ولی	۴۶	دوست دوستدار	جمالی	۲۰۰	محبت	رطب	کافور	جوزا	ہنعہ	عطارد	یولوش	قمائیل
ز	زکی	۳۷	پاک کرنے والا	مشترک	۷۱	محبت	خشک	شہد	سرطان	ذراع	قمر	کاپوش	شرقائیل
ح	حق	۱۰۸	سزاوار خدا وند	//	۳۰۰	بغض	تر	زعفران	جدی	نثرہ	زحل	عیوش	تنکفیل
ط	طاہر	۲۱۵	پاک	جلالی	۷۲	غصہ شہوت	گرم	مشک	حمل	طرفہ	مشتری	بریوش	اسمائیل
ی	یٰس	۱۳۰	بزرگ	جمالی	۱۰۰۰	فتح زحل	تر	گل سرخ	میزان	جبہہ	مریخ	شہیوش	سراکیکائیل
ک	کافی	۱۱۱	کفایت کنندہ	//	۲۰۰	محبت	خشک	گل سفید	عقرب	زبرہ	شمس	قدیوش	نوروزائیل
ل	لطیف	۱۲۹	باریک بین	//	۷۲	جدائی	سرد	پوست	ثور	صرفہ	زہرہ	حدیوش	طاطائیل
م	ملک	۹۰	پادشاہ حقیقی	جلالی	۹۰	محبت	گرم	آبی	اسد	عوا	عطارد	محبوش	دوریائیل
ن	نور	۲۵۶	روشن	جمالی	۷۳	بغض	تر	سنبل	میزان	سماک	قمر	وطیوش	حولائیل

حروف ابجد	اسمائے حسنیٰ	اعداد	معنی	خاصیت	تعداد ورد	نتایج	طبایع	بخور	بروج	منازل	کواکب	جن	موکل
س	سمیع	۱۸۰	سننے والا	مشترک	۵۰۰	عقد شہوت	خشک	خوشبوئی کب	قوس	عفر	زحل	فغیوش	ہمواکیل
ع	علی	۱۱۰	بلند مرتبہ	جلالی	۲۰۰	توانگری	سرد	فلفل سفید	سنبلہ	زبانا	مشتری	قشیوش	لومائیل
ف	فتاح	۴۸۹	کھولنے والا	جمالی	۷۲	عداوت	گرم	جوز	اسد	اکلیل	مریخ	یعطیوش	سرجاکیل
ص	صمد	۱۳۴	بی پروا	جلالی	۲۰۰	الفت	تر	لبنا	میزان	قلب	شمس	قلایوش	اہجمائیل
ق	قادر	۳۰۵	قدرت والا	مشترک	۳۰۰	عقد شہوت	خشک	ترنج	حوت	شعلہ	زہرہ	شمیوش	عطرائیل
ر	رب	۲۰۲	پروردگار	جلالی	۷۲	مودت	سرد	گلاب	سنبلہ	نعایم	عطارد	رہوش	امواکیل
ش	شفیع	۴۶۰	قبول شفاعت	〃	۲۰۰	عداوت	گرم	عود سپید	عقرب	بلدہ	قمر	تیروش	ہمزائیل
ت	تواب	۴۰۹	قبول کنندہ توبہ	جمالی	۳۰۰	عقد نوم	تر	عنبر	دلو	سعد ذابح	زحل	لطیوش	عزرائیل
ث	ثابت	۹۰۳	قائم بالذات	جلالی	۴۰۰	بغض	خشک	عود سفید	حوت	سعد بلع	مشتری	طحیوش	میکائیل
خ	خالق	۷۳۱	خلق کنندہ	مشترک	۷۰	محبت	سرد	بنفشہ	جدی	سعد السعود	مریخ	والایوش	مہکائیل
ذ	ذاکر	۹۲۱	ذکر کنندہ	〃	۷۹	بغض	گرم	ریحان	قوس	باقیہ	شمس	ملکایوش	ہرطائیل
ض	ضار	۱۰۰۱	ضرر رسندہ	جلالی	۷۲	〃	〃	گل ارغوان	دلو	مقدم	زہرہ	غایوش	عطکائیل
ظ	ظاہر	۱۱۰۶	آشکارا	〃	۲۵	عداوت	خشک	گل نسرین	حوت	موخر	عطارد	عفوبوش	نورائیل
غ	غفور	۱۲۸۶	آمرزندہ	جمالی	۳۰	صحت امراض	〃	قرنفل	〃	رشا	قمر	غرفیوش	لوفائیل

فصل سوم در بیان عملیات حب و تعویذات

هر که خواهد که فلان کس دیوانه و فریفته او شود در شب جمعه عروج ماه این عمل را شروع کند
تا چهل روز هر روز چهل مرتبه بخواند و از اول تا آخر خیال مطلوب در دل دارد گویا که رو
برو پیشش موجود است برای حب بغایت سریع الاثر است بشرطی که قصد حرام نباشد
انشاءالله تعالی زود مقصودش حاصل خواهد شد از گوشت وغیره پرهیز لازم است آن عمل اینست
بسم الله الرحمن الرحیم الهی بحق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و توریة موسی
و انجیل عیسی و فرقان محمد علیه الصلوة والسلام رسول الله صلی الله علیه
و آله ایضاً هر که تا چهل روز بعد از نماز پنجگانه سوره یاسین بر یکدانه فلفل سفید خوانده
بسوزاند اگر مطلوبش بیکصد فرسنگ باشد نزدش حاضر شود ایضاً هر که خواهد که فلان
کس مفتون و فریفته او گردد هفت میخ آهنی که باندازه یک انگشت باشد گرفته بر هر یک
یکمرتبه سوره یاسین بقصد مودت خوانده دم کند و بگوید سوختم دل و جان فلان بن فلان را
بجای آن اسم مطلوب و مادر او را گوید و میخها را در دیگدان نهد و بزیرش آتش فروزد وقتیکه
میخها گرم شوند مطلوبش دیوانه وار بیقرار گشته حاضر آید ایضاً هر که خواهد کسی را عاشق
و مبتلای خود گرداند این آیه که آیه مودت میگویند چهارده مرتبه در شب بخواند و شیرینی
و میوه یا چیزیکه دلخواه مطلوب او باشد بر آن دم کند و بخورد دهد بیشک بروی عاشق گردد
و طریقه دوم اینست که این آیه هر روز چهل مرتبه بر شیرینی یا بر چیز دیگری خوردنی خوانده دم
کند و بخورد او دهد فوراً عاشق گردد و خواننده را هم انواع فوائد دهد و آیه اینست یحبونهم
کحب الله والذین آمنوا اشد حباً لله ایضاً این طلسم را بوقت سعد
نویسد و آنرا جانب مشرق بخانه مطلوب بیاویزد تا که باد آنرا بجنباند آن
اینست [illegible] ۷۷۷۷۱۱۱۱۹۲۹۷۱۱۱۸۲۵ لا [illegible] ایضاً
برای حب این عزیمت را بر بیضه مرغ نوشته در آتش دفن کند مطلوبش مثل
سگ در پیش آن دود و آن عزیمت اینست ۱۳ ۱۲ ۱۱ [illegible] - و سم فلان بن فلان
فی حب فلان بن فلان الساعة الساعة الوحا الوحا العجل العجل ایضاً

این آیه را بر برگ تنبول نوشته بخوراند مطلوب عاشق و دیوانه گردد فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم **ایضاً** خاک زیر پای مطلوب و پای چپ خود گرفته این عزیمت را هفت مرتبه بخواند و بخاک دم کند و خاک را در پارچه بسته طالب بزیر پای خود نهد و زور دهد انشاء الله مطلوب بسیار جلد دیوانه و برهنه پا بسوی مطلوب دود و عزیمت اینست ۱۳۱۳۱۴ اسح الساعة الساعة الساعة **ایضاً**

این نقش را بر ظرف گلی نوشته در آب اندازد و تا هفت روز بنویسد و در آب اندازد انشاء الله دشمنش دوست گردد و آن نقش معظم و مکرم اینست

جبرائیل
اذا زلزلت
الارض اهیا اشراهیا
وقال الانسان مالها یومئذ تحدث
اخبارها الوحا الوحا العجل
العجل الساعة الساعة
عزرائیل
اسرافیل
میکائیل

ایضاً هر که این تعویذ را نوشته نزد خود دارد پیش هر کسی که رود عزت باو نماید و در دل همه قدر و منزلت او زیاد گردد و با حرمت باشد و نقش معظم و مکرم اینست

۷۸۶

۲۳	۲۶	۲۹	۱۶
۲۸	۱۷	۲۲	۲۷
۱۸	۳۱	۲۴	۲۱
۲۵	۲۰	۱۹	۳۰

ایضاً برای حب و دوستی این نقش سوره اخلاص را بر چهار نوع عمل کرده میشود **نوع اول** اینستکه بنویسد و بر درخت انار بیاویزد و قتیکه باد آنرا بجنباند مطلوبش بیقرار گردد **نوع دوم** اینست که بنویسد و در صحرا دفن کند **نوع سیم** اینست که نقش را در آرد گندم حب ها نموده تا بیست و یکروز در دریا اندازد **نوع چهارم** این استکه این نقش را نوشته و فتیله نماید و روی آن را در چراغ روشن نماید و روی فتیله بجانب مطلوب کند و تا بیست و یکروز بلا فاصله روشن باشد و مطلوبش بیقرار و دیوانه گردد و نقش معظم و مکرم این است

۷۸۶

احد	الله	هو	قل
یلد	لم	الصمد	الله
ولم	لد	یو	ولم
احد	کفوا	له	یکن

ایضاً برای حب این نقش را نوشته در خانهٔ مطلوبش دفن سازد خواهش و رغبت در دل مطلوب او پیدا شود نقش اینست ۷۸۶

۱۴	۱۱	۴	۱۷
۵	۱۶	۱۵	۱۰
۱۹	۶	۹	۱۲
۸	۱۲	۱۸	۷

ایضاً ما بر حب این نقش را نوشته فتیله نموده و باروغن کنجد برافروزد انشاء الله بعد کرده روزی مطلوبش حاضر گردد نقش اینست ۷۸۶

ایضاً این نقش را در سفال گلی نویسد یا بر نعل اسب نوشته در آتش اندازد

۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷
۱۶	۱۳	۱۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴

و این بن فلان علی حب فلان بن فلان عاشق شود بنویسید و بجای فلان بن فلان نام طالب و مطلوب با در آنها را بنویسید ۵۵ لر ۱۱۱ ط ۹۱ ا ۶ ا ۱۱ ۱۱۱ لعنفص طلع

۱۹۱ ۱۱۰ الح ۸۱ عص عص ۴ ۵۴ ح ط ۱۱۱ عص و ه ملا لا هم

ایضاً اگر فیما بین طالب و مطلوب شکررنجی واقع شود زود تر این نقش را در ساعت سعد نوشته یا بر نعل اسب منشکی کنده در آتش اندازد مطلوب بیقرار گشته صلح کند و رام شود نقش اینست

فصل چهارم در بیان عملیات و تعویذات بغض

گفته اند که هفت دانه نمک ریزه بر هر یک این عزیمت را با بسم الله بخواند اَوَلَمْ یَرَ الْاِنْسَانُ اَنَّا خَلَقْنٰهُ مِنْ نُّطْفَةٍ فَاِذَا هُوَ خَصِیْمٌ مُّبِیْنٌ و در آتش اندازد عداوت عظیم پیدا خواهد شد ایضاً هر که خواهد که میان دو کس عداوت پیدا کند آیهٔ کریمه وَاَلْقَیْنَا بَیْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ اِلٰی یَوْمِ الْقِیٰمَةِ بعد از هر نماز هشتاد مرتبه بخواند و بعد از هر ده مرتبه اسم آن شخص گیرد ایضاً اگر کسی خواهد که فیما بین دو کسان عداوت پیدا شود پارچهٔ پوشیدنی آن را گرفته و این نقش را بر آن نوشته در آتش اندازد اسم آن را با مادرش هم بنویسد اسم آن دیگر را هم با مادرش بنویسد

با ین هر دو عداوت پیدا خواهد شد نقش اینست ۸ ۸ ۸ ۸ ۸ ۸ ۸ ۸ عم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

ایضا اگر خواهی میان دو کس تفرقه اندازی تا چهل و یک سنگریزه سفید گرفته و سوره انا اعطیناک را یکبار بر سنگ خوانده دم کند و آنرا در خانه آن اندازد تفرقه خواهد افتاد مجربست **ایضا** برای عداوت این ختم مجربست سوره یس را باین طریق که اول چهل و یکمرتبه سوره فاتحه بخواند بعد سوره یس را شروع کند و قتیکه بر لفظ مبین بگوید بحق سوره یس و این آیه بخواند فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین بعد یک دست بر زمین زند و اسم آنرا بگوید و سه مرتبه آمین گوید یا از اول بگوید و بر جبین دوم بموجب اول عمل نماید تا که سوره را اتمام کند و اول و آخر عمل این ورد شریف بخواند اللهم صل علی محمد سید القاهرین اعداء رب العالمین **ایضا** برای خرابی دشمن این طلسم را نوشته در خانه اعدا دفن سازد

۱۱۲۱۱۱ هم م لا ط ع

ایضا برای هلاک دشمن این نقش سوره تبت را بر خشت نو هر روز تا چهل روز نویسد و اسم او را با نام مادر یا پدر دشمن را بزیر نقش نویسد و خشت را در چاه اندازد که انشاء الله زود دشمن خراب و نابود خواهد شد مجرب و آزموده است این نقش مکرر آزمو ده است

ایضاً برای خرابی دشمن این نقش مکرم را نوشته زیر زمین دفن کند نقش اینست

ایضاً این نقش را تا سه روز نوشته و در آب شسته هر کس را بخوراند دل او را بجانب خود کشاند و قبل خواندن هفتاد مرتبه بگوید و القینا بینهم العداوة الی یوم القیمة و نقش اینست

فصل پنجم در بیان زبان بندی

۴۳	۴۰	۵۹	۵۶
۶۰	۵۵	۴۴	۳۹
۵۴	۵۷	۴۲	۴۵
۴۱	۴۶	۵۳	۵۸

یک رشته از دست تا بالغه رشته و بر آن سه مرتبه سوره یاسین بخواند و بر هر مبین یک عقد انگشتان کند و وقت عقد کردن زبان را زیر دندان محکم کند و آن رشته را بزیر آستانه اعدا دفن کند زبان اعدا بسته گردد ۲ ایضاً برای زبان بندی این آیه کریمه را یکهزار مرتبه بخواند الله لطیف بعباده یرزق من یشاء وهو القوی العزیز برای زبان بندی اکسیر مجربست ۲ ایضاً این آیه کریمه را نوشته بزیر سنگ گذارد فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم ۳ ص ۳ و ۳ هـ ۳ ع ۳ ب ۳ ج ۳ ط ۳ لا اله الا هو رب العرش العظیم تا آخر صم بکم عمی فهم لا یرجعون صم بکم فهم لا یفقهون صم بکم عمی فهم لا ینطقون ایضاً این طلسم را نوشته بزیر زبان دشمن نهند زبانش بند خواهد شد

اا ۲ ع ۹ ۲ اللح ح ۱۸ ۵۹ ۱۵ ط ۱ ح ۱ الحه ۸

ق	س	ع	م	ح
ع	م	ح	ق	س
ح	ق	س	ع	م
م	ح	ق	س	ع

ایضاً برای زبان بندی این نقش جمعشق را بر نقره کنده و نگین انگشتری سازد و پیش که برود امیری یا دشمنی بود انگشتر را در انگشت کند زبان دشمن بند و بوی بسیار مهربان شود بارها

از موده شده مجربست ایضا برای زبان بندی این نقش را نوشته در موم گذارد
و در بند او نهند و چیزی سنگین بروی آن گذاشته که از جایش جنبش نکند مجربست

صوح	۱۳۷	۲۱۱	سه۴
۱۳۹و	د ۳	صرع	هو۴۳
۳ح	ی ا	فلان	ط۷
۶۱۵و	۸ع	۱۱	۹ن

فصل ششم در بیان خواب بندی

سوره ناس را بوقت شب بخواند و کاردی در
زمین فرو نماید و هر گاه کارد در زمین فرو کرد این آیه
بسم الله ...
را بر آن دم کند اینست اِنَّكَ مَيِّتٌ وَاِنَّهُمْ مَيِّتُونَ و قتی که سوره ناس را
بخواند بر هر ناس که میرسد کارد را بر زمین فرو نماید و کارد را از سه روز زیادتر در
زمین نگذارد و اگر خواهد که خواب گشاده گردد کارد را از زمین بیرون آورد و سوره
بخواند ایضا برای خواب بندی این سوره را بر کاغذی نویسد و میخ فولادی
در میان کاغذ انبالا بکوبد که در کاغذ فرو رود و بعد سوراخ را از خاک چهار راه پر کند
مجربست سوره اینست بسم الله الرحمن الرحیم عقدت نوم فلان بن فلان بحق
الحمد لله عقدت نوم فلان بن فلان بحق رب العالمین عقدت راسه بحق الرحمن
عقدت شعره بحق الرحیم عقدت عینه بحق مالک یوم الدین عقدت اذنه بحق
ایاک نعبد عقدت لسانه بحق و ایاک نستعین عقدت وجهه بحق اهدنا
الصراط المستقیم عقدت یدیه بحق صراط الذین عقدت قلبه بحق
انعمت علیهم عقدت فرجه بحق غیر المغضوب علیهم عقدت ساقیه
بحق و لا الضالین عقدت رجلیه بحق آمین عقدت قراره و سکونه من
الرأس الی الرجلین بالله و بحکم الله عزّ و جلّ عقدت النوم فلان بن فلان علی حب
فلان بن فلان ۱۱۷ ع ۴ ۶۲ ۸ م هـ سه هـ ب ایضا برای
خواب بندی این طلسم را بنویسد النوم النوم النوم و در زیر بالین مطلوب
بنهد انشاء الله تعالی خوابش بسته گردد تا وقتیکه بزیر بالین است و وقتیکه برداشته شود بیدار میشود

ایضاً برای خواب بندی این تعویذ را نوشته بجای خوابیدن آن دفن کند و در زیر است

۷۸۶

۹	۶	۳	۲
۲	۴	۶	۸
۶	۸	۲	۴
۳	۲	۹	۶

بستم خواب فلان بن فلان

ایضاً برای خواب بندی این نقش را نوشته بموجب مذکوره عمل نماید نقش ذیل است

۷۸۶

۸	۲	۳	۱
۲	م	لو	۲
۵	۶	۴	۱
۵	۱	۴۴	م

بستم خواب فلان بن فلان

ایضاً در بیان تعویذ تیغ بندی

هر که خواهد شمشیر و کارد دشمن بر او کارگر نشود بروز یکشنبه بموجب شرایط مذکوره یعنی ساعت وغیره را معین نماید و این تعویذ را بنویسد لیکن اول بگردن بز وغیره بسته امتحان کند تا که شکش رفع شود که باین رقم گمان دلیر شود که تعویذ نزد من است مرا از تیغ جفای دشمن چه اندیشه و بهمین خیال دست از جان عزیز بشوید و در هلاکت افتد اینست تعویذ

۱۱ ه گ ۱۱۱ ۱۹ ه ه ه

ایضاً برای تیغ بندی هر کس این شکل را بر قبضهٔ شمشیر خود بندد بوقت مقابله و مقاتله دشمن زخم شمشیر دشمن بر وی کارگر نشود و شمشیر آبدار این دمار از جان دشمن برآورد

کا ۱۱۱۱ ۴ ۱۱۱ صماع

این شکل مجرب است لیکن با جمله شرایط و سوار

کفح احا

ایضاً برای تیغ بندی بروز یکشنبه نوشته نزد خود دارد وقتی که دشمنش با شمشیر بر وی حمله کند هیچ ضرری نرسد و یک سر موئی زخم باو نرسد و قبلاً نوشته امتحان

۱۱ ۱۴ ۷۱ ۱۱۱ ۱۹ ۵۴

بالضروره کند نقش اینست

۱۱ ۷۴ ۹۳ ۱۴

ایضاً برای تیغ بندی بر شمشیر یا نیزه یا تفنگ بسته با دشمن مقاتله کند و اسلحهٔ دشمن بر او هیچ ضرری نرسد و او بر دشمن غالب خواهد شد و اگر افسر فوج بر نشان

خود این نقش مکرم را نویسد بطرفی که آن ولایت بلند اقبال شود و فتح نصیب او گردد و اقدام دشمنان بمقابله آن ولایت برجا مانده راه فرار پیش گیرند و بایدبطهارت

عمل این عمل را بجا آورد و این است

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ایضاً هر کس این نقش را نوشته نزد خود دارد زخم شمشیر و نیزه و تفنگ بر او کارگر نشود اول باید امتحان خوبی آن کند نقش این است

دغاون
۶۱۳۶

دغ و
۱۹۱۳۶

فصل هشتم در بیان عملیات و تعویذات برای احضار غایب

اگر شخصی غایب گردد که هیچ خبری از او ندارد که کجا رفته است و کجاست و طلب کردن او مطلوب باشد ما بین فرض و سنت نماز چهل و یک مرتبه سورهٔ فاتحه بخواند انشاءالله تعالی زود تر غایب حاضر گردد این عمل آزموده اکثر بزرگان است **ایضاً** هر که خواهد که غایب شده را در خواب ببیند و احوال او معلوم کند یا دیگر امری را منظور باشد این عمل بمنزلهٔ استخاره است بعد از قیل لباس طاهر در بر کند و وضو سازد و رو بقبله بپهلوی راست بخوابد سورهٔ الحمد و والشمس و والضحی و واللیل و الم نشرح و والتین و سورهٔ اخلاص هر کدام را هفت مرتبه بخواند و بعد آنها این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اَرِنِیْ فِیْ مَنَامِیْ کذا و کذا من امری مخرجاً و مخرجاً اَرِنِیْ فِیْ مَنَامِیْ مَا اشتدل به اجابة دعوتی و بجای کذا و کذا اظهار مطلب و مقصد خود کند اگر در اول شب مقصدش بر آید فهو المراد و الا تا هفت شب بهمین نوع عمل کند انشاءالله بمرام فائز میشود **ایضاً** این طلسم را نوشته در ابریق رفیق نهاده در چاه

اندازد اگر بانگ خنده آید باید دانست که غایب زنده است و اگر صدای گریه
آید غایب مرده است طلسم اینست ۱۱۹۱ ۱۱۲۹۲ ۹۳عص ک ۱۶۹ عص ۱۸۱

ایضاً این نقش را نوشته بر چرخ چیکه ریسمان پنبه میرسید و به دختری که بشوهر نرفته گوید که
آنرا هفت مرتبه بگرداند و بعد چرخ را راست کرده بسوی فلک ایستاده نماید انشاء الله
زود تر غایب برسد و نقش اینست

دوا	ع ۵	کـ۵
۲و۱	ده	۳
دوا	ع ۵	کـ۵
برسید و	باصرو	راه

فصل نهم در بیان گریخته

اگر شخصی مثل غلام یا کنیز یا حیوانی گریخته باشد و منظور رش اینست که معلوم شود که
بکدام سمت رفته اگر بروز شنبه گریخته است جانب جنوب تلاش باید کرد واگر
بروز یکشنبه گریخته جانب مشرق تلاش باید کرد واگر بروز دوشنبه گریخته بطرف
شمال رفته واگر بروز سه شنبه گریخته بطرف مشرق رفته واگر بروز چهارشنبه گریخته
جانب مغرب گریخته واگر بروز پنجشنبه گریخته بجانب مغرب تلاش او باید کرد
واگر بروز جمعه گریخته بسمت جنوب رفته ایضاً اگر غلام کسی یا حیوان گم
شده باشد این نقش را از دست خود
نوشته و بر درخت بیاویزد که باد آنرا
بجنباند گریخته زود تر بیاید و
نقش اینست

ایضاً این طلسم را بر چرخ ببندد و از جانب چپ
چرخ را بگردانند غایب حاضر شود

ایضاً اگر غلام یا کنیز گریخته این مربع را بنویسد و در میان آن اسم گریخته را بنویسد
و در میان قرآن شریف بآیهٔ لو اننا نوشته شده بگذارد انشاء الله گریخته
افتان و خیزان بزودی در خدمتش حاضر خواهد شد و این مربع در صفحه مقابل است

فصل دهم در بیان شناختن دزد

شخصی که مالش را دزدیده باشند و پیدا کردن دزد را منظور شان باشد باید
که دو کس رو بروی همدیگر بنشینند و یکظرف گل از انگشت دست راست
اسم آنکس که ظن دزدی بر او میبرند با انگشت بظرف بنویسند و سوره یٰس را
تا مِنَ المُکرَمین بخوانند اگر آنشخص دزد باشد ظرف خود بخود بالضروره
گردش کند و اگر گردش نکرد نام او را پاک و نام دیگری که گمان میبرند بنویسند
و باز تا همانجا بخوانند بهمین طور عمل کنند تا وقتیکه باسم دزد بگردد و در چهار طرف
این چهار اسم را بنویسند یا جبرائیل یا میکائیل یا اسرافیل یا عزرائیل

پند سودمند دانشمندان صاحب فن را لازمست که اگر واقف شوند
که فلانشخص دزد است افشای راز نکنند که عیب پوشاندن هنر است و بر قول شیخ سعدی رح

خدای راست مسلم بزرگواری و حلم　　که جرم بیند و نان بر قرار میدارد

ایضاً مجرب هر که خواهد دزد را پیدا کند بوقت صبح خروس سفید را بزیر طشت نهند هفت مرتبه آیة الکرسی
بخوانند و بطشت دم کنند و هر که را ظن میبرند بگویند دست بر طشت بگذارد بمجرد دست دزد خروس
از زیر بانگ بر آورد این عمل بسیار مجرب و آزموده است **ایضاً** برای پیدا کردن دزد
بیاورد چند برگ ترنج و بر هر برگ این آیه کریمه را بنویسد و بعد اسم آنهائیکه گمان

ببرد و تحت آیه بنویسد و در آتش بسوزاند هر کس که دزد باشد بدل درد گرفتار شود
آیه کریمه اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ السّارِقُ فالسّارِقۃُ فاقطعوا
ایدِیَهُما جزاءً بِما کسبا نکالاً مِنَ اللّٰهِ الٰهی بحق کبری بشرط احتیاط
اینمعنی بیا مجربست

فصل یازدهم در بیان عملیات و تعویذات رهائی محبوس

شخصی که ناکرده جرم محبوس شود باید که اول و آخر هفت مرتبه درود بخواند و این آیه را
خوانده بر انگشتهای خود دم کند از قید حبس خلاصی خواهد یافت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ
الرَّحِیْمِ وَکَفٰی بِاللّٰهِ وَلِیًّا وَکَفٰی بِاللّٰهِ شَهِیْدًا وَکَفٰی بِاللّٰهِ عَلِیْمًا وَکَفٰی
بِاللّٰهِ حَسِیْبًا وَکَفٰی بِاللّٰهِ هَادِیًا وَکَفٰی بِاللّٰهِ نَصِیْرًا ایضاً هر کس
بلاوجه و بلا قصور در زندان رود این تعویذ را نوشته در دستار یا کلاه خود نهد انشاءالله
ببرکت این آیه معظمه زودتر خلاصی یابد بسم الله الرحمن الرحیم نصر من الله و فتح قریب
وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِیْنَ فَاللّٰهُ خَیْرٌ حَافِظًا وَّهُوَ اَرْحَمُ الرّٰحِمِیْنَ
۷حع ۱۱۱ هه ۶ ۱۱ ۷۸۱ هه ع ۱۱ ایضاً هر که مقید شود این مثلث را از خود دارد
بر این منوال یکی جانب راست و یک بزیر خود و یکی روبروی خود
انشاءالله محبوس زودتر خلاصی مگر احتیاط شرط است مثلث اینست......

	۷۸۶	
۳	۵	۷
۸	۱	۶

ایضاً بروز جمعه قبل از طلوع آفتاب این نقش را محبوس
بر کمر خود بندد انشاءالله از قید خلاص گردد

ایضاً هر که مقید شود این نقش را نزد خود
دارد بفرمان خدا تعالی زودتر رهائی خواهد یافت
وقتیکه از حبس خلاصی یابد
نقش را در دریا اندازد

۷۸۶

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۸	۳	۷
ع	۶	۲
و صرع		

فصل دوازدهم در بیان عملیات

و تعویذات دافع آسیب وغیره

از اکثر علمای کامل منقولست که هر کسی را خلل آسیب گردد در گوشش راست او هفت
بار اذان بگوید و بعد سورهٔ فاتحه و معوذتین و آیة الکرسی و سورهٔ والطارق و آخر سورهٔ
حشر هو الذی تا آخر سورهٔ والصافات یکمرتبه و سورهٔ جن را هفت مرتبه بخواند آسیب
بگریزد چنانکه انسان از آتش بگریزد یا سوخته شود **ایضاً** برای دفع آسیب اسمهای
متبرکهٔ اصحاب کهف بر دیوار خانهٔ خود نویسد بهر خانه که این اسماء معظم نوشته باشند
گذر جن در آن خانه نباشد الهی بحرمت یملیخا مکسلمینا کشفوطط آذر
فطیونس کشافیطونس یتبیونس یوانس و کلبهم قطمیر **ایضاً** چهل کاف
برای هر مطلبی یازده مرتبه بخواند مقصدش حاصل گردد و هر که را خلل آسیب
باشد یازده مرتبه بر شیرینی وغیره بخواند و باو بخوراند انشاء الله رفع ضرر آسیب خواهد
شد آن چهل کاف اینست کفاک ربک کم یکفیک واکفه کافکاف ککرو اکول بکوکب
کلمع یکوش فی کبکوش یحک کلک لکمام الکناکن تکو کریکی کعبل
بکبول یرکب کذکس عن الکرام کیما کیوم بکوکبا فی کیکات بکفکفه
کفکفه کفکر کطاطی واکنم کفکفه کیا کری **ایضاً** چهل کاف از تصنیفات
محبوب سبحانی قطب ربانی غوث الصمدانی حضرت شاه محی الدین عبد القادر جیلانی قدس سره
خواص آن بسیار است و درین مختصر گنجایش بیان آن نیست مختصر اینکه برای هر امری
که خوانده شود پر تاثیر است خصوصاً برای دفع ضرر جن و دیو و پری وغیره سریع
النفع است هر کسی را که خلل آسیب ازین قسم باشد باید که هفت مرتبه بر روغن تلخ
خوانده در گوشهای آسیب زده بریزند و انگشتها را در سوراخ گوش بگذارد تا که روغن
بیرون نیاید و قدری از آن روغن هم بر بدن او بمالند انشاء الله آسیب سوخته شود
که بوی سوختنش بدماغ دیگران رسیده و بوقت سوختن هم فریاد کند ترجمهٔ این چهل
کاف که از تصنیفات عبد الحی دهلوی است با اصل عبارت برای افاده و ملاحظهٔ ناظرین

نوشته شد است چهل کاف (۱) کفیك ذبك اکم یکفیك و اکفه (۲) کفکا کهما
کلین (۳) کان من کلکا (۴) تسکو کرا (۵) ککر (۶) فی کبد تجلی
مشکشکه (۷) ککلکلك وکلیکا (۸) کفاك نعالی کفالك الکاف کرنبذ (۹)
یاکوکبا کان محکی (۱۰) کوکب الفلك ترجمه کافی است ترا پروردگار تو بس است
کفایت کند ترا از حادثه پوشیدن و مثل پوشیدن شکار نیست که دراز میشود بر زمین همچو
رسن در جگر از کارد میخ اشد مثل هزبری که شکار را از پنجه پرزور بجود برکشد خصوصاً
ترا کافی است که از اندوه و غم نجات بخشد ای ستاره دل من که مشابه هستی از ستاره
فلک هر کسی را که خواندن چهل کاف را با موکلان منظور حسب نشان نهند شده اکه بر چهل
کاف و موکلان داده شد بخواند بهر مقصدی دارد حاصل گردد (۱) یا جنتائیل (۲)
یا ذولائیل (۳) یا جبرائیل (۴) یا کنکائیل (۵) یا میکائیل (۶) یا نعمائیل
(۷) یا سرکائیل (۸) یا همرائیل (۹) یا عزرائیل (۱۰) یا دردائیل (۱۱) یا میکائیل

ایضاً هر کس این نقش چهل کاف را نوشته نزد خود دارد
از شر دیو و جن و پری محفوظ میماند ....

۷۸۶

۳۹۱۱	۳۹۰۴	۳۹۰۹
۳۹۰۹	۳۹۰۸	۳۹۱۰
۳۹۰۷	۳۹۱۲	۳۹۰۵

ایضاً این نقش را نوشته بر بازوی آسیب زده بندد
آسیب او دور خواهد شد

۷۸۶

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

ایضاً این فتیله از حضرت غوث اعظم مرویست
که باید نوشته و در پنبه نو صاف و طاهر پیچیده و در
کاسه گلی آب نارسیده نهد و ظرف را از روغن تلخ
پر کرده و فتیله را روشن سازد و بر شیرنی ثواب فاتحه
بارواح حضرت پیر صاحب برساند
آسیب بفضل خدا دور شود

۷۸۶

۱۱	۸	۱	۱۳
۱۲	۱۳	۱۲	۷
۶	۳	۶	۹
ع	۱۰	۵	عم

ایضاً برای کسی که بخانه او جن
باشد و ساکنان خانه را آزار و

بسم الله الرحمن الرحیم
لا اله الا الله محمد رسول الله
بحق یا جبرائیل یا بدوح

۸	۶	۴	۲
۲	۴	۶	۸
۶	۸	۲	۴
۴	۲	۸	۶

لا اله الا الله محمد رسول الله بحق یا عزرائیل یا بدوح

لا اله الا الله محمد رسول الله بحق یا میکائیل یا بدوح

[illegible]

[illegible]

اذیت میرسانند این نقش معظم را نوشته بر در خانه بچسپانند از شر جن محفوظ و مصون ماند **ایضاً** این نقش از سورهٔ جن است آنرا نوشته بر گلوی طفل بندد از تمام آفات خصوصاً از شر جن و دیو و پری محفوظ و هر کسی از جن و غیره آزاری رسیده باشد بنویسد و نزد خود نگاه دارد دیو و جن و غیره از نزد او بگریزد و باو نظر نکند

ایضاً بخانه هر کسی جنیان کلوخ اندازند این نقش را نوشته بر دیوار روی بقبله بچسپانند از شر جن محفوظ خواهد بود و نقش معظم این است

۷۸۲۲	۷۸۱۷	۷۸۲۴
۷۸۲۳	۷۸۲۱	۷۸۱۹
۷۸۱۸	۷۸۲۵	۷۸۱۰

ایضاً این نقش متبرک از سورهٔ مزمل است و خواص آن بسیار است از آنجمله یکی بعرض تحریر میاید اگر کسی این نقش را با طهارت نوشته نزد خود دارد از شر جنون و جمیع آفات و بلاها محفوظ و مصون ست مجرب و آزموده است و نقش در زیر است

۹	۶	۳	۱۶
۱۷	۱۲	۱۳	۲
۱۳	۱	۸	۱۱
۴	۱۵	۱۰	۵

فصل سیزدهم

در بیان علامات سحر زده و عملیات و تعویذات دفع سحر

۳۲۵۶۶	۳۲۵۵۹	۳۲۵۲۴
۳۲۵۶۰	۳۲۵۶۳	۳۲۵۶۵
۳۲۵۶۲	۳۲۵۶۱	۳۲۵۶۴

علامات سحر زده اینست که روز بروز لاغر و ناتوان گردد و از زن و فرزند و طعام و شراب و از هم نشینان خود نفرت کند و خاموشی را دوست دارد و در استخوانهایش تشنج پیدا میشود

وخواب کم رود واگر بیدار شود خوف زده باشد و بعضی آنها را درد سر و اسهال میگیرند
وساحر یعنی سحر کنند و مثل دیوانگان میباشد و خاموش است پس هر کسی که او را سحر کرده اند
این آیه کریمه را بر کاغذ باریک با خون هدهد یا ماکیان سیاه و با مشک و زعفران و گلاب نوشته
و بر گلوی سحر زده بندد و بر هفت پارچه کاغذ با بسم الله نوشته تا هفت روز یکیک را
در آب شسته و سحر زده بخورد مجرب است سَيُبْطِلُهُ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ
الْمُفْسِدِيْنَ اِنَّمَا صَنَعُوْا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ اَتٰى
بحق اهیا اشراهیا ایضاً برای دفع سحر سوره معوذتین را نوشته
نزد خود دارد یا هر روز ورد کرده یا بر کاسه چینی نوشته هر روز بنوشد انشاء الله تعالی
هیچ سحری بروی کارگر نخواهد شد ایضاً برای دور کردن سحر این دو نقش
نوشته میشود یک نقش قصیده برده و نقش دیگر قصیده حضرت امیر علیه السلام
است این هر دو نقش را بر پشت آنها بنویسد اینرا اقسمت علیکم یا دوقائیل
و در سبوی گلی آب دریا با هفت آب چاه مخلوط کرده و در دیگ ریخته بزیرش آتش
نموده وقتی که گرم شود مسحور در طشت نشسته و دو نفر از چپ و راست آب را بر سرش
بریزند و این آیه کریمه را بخوانند فَلَمَّا جَآءَ السَّحَرَةُ تا عَمَلَ الْمُفْسِدِيْنَ و وقتیکه آب
تمام شد آب طشت را در دریا یا در جوی بریزند تا هفت روز چنین کنند انشاء الله تعالی
مریض صحت خواهد شد

۷۸۶

۱۴۳۴۲۹	۱۴۳۴۳۲	۱۴۳۴۲۴	۱۴۳۴۳۵
۱۴۳۴۳۶	۱۴۳۴۲۳	۱۴۳۴۳۴	۱۴۳۴۲۶
۱۴۳۴۳۱		۱۴۳۴۲۱	۱۴۳۴۲۲
۱۴۳۴۴۲	۱۴۳۴۲۸	۱۴۳۴۳۷	۱۴۳۴۳۰

۷۸۶

۳۰۹۱۷	۳۰۹۲۴	۳۰۹۱۹
۳۰۹۲۲	۳۰۹۲۰	۳۰۹۱۸
۳۰۹۲۱	۳۰۹۱۶	۳۰۹۲۸

فصل چهاردهم

در بیان چشم زخم و عملیات و تعویذات دفع آن

در تفسیر فتح العزیز وغیرهما منقولست که رسول الله صلی الله علیه وآله فرموده‌اند
اثر نظر بد ضرور میشود اگر چیزی بر تقدیر غالب شدی تاثیر آن بغایت قوی است باید
دانست که در نظر عثمتی از بلاها ست که حقتعالی در چشم بعضی از انسانیان و جنیان
خلق فرموده است چنانکه در نیش عقرب و دندان مار زهر خلق فرموده و باید دانست
که چشم بد ضرر میرساند و گاهی چشم بد باهل و عیال خود نقصان میزند و نظر بد تنها
انسانرا از باغ و اسباب و مکان و دواب و کشت و زرع وغیره را ضرر کامل میرساند
و در حدیث آمده است که هر چیزی بنظر خوشنما گردد ما شاء الله لا قوة الا بالله
بگوئید که از برکت اینکلمات معظم نحوست ضرر بد زایل خواهد شد و کیفیت آن در کتب
قدیمه معتبره مفصل درج شده و در حدیث شریف آمده که از نظر بد کسی بشخصی ضرر رسید
فورا روی و دست و هر دو پای و شرمگاه نظر اندازنده در یکظرف شسته آب آنرا بر
شخص ضرر رسیده بپاشند از فضل ایزد سبحانه و تعالی مریض شفا یابد و این عمل در اکثر کتب
معتبره مرقومست که از بس برای دفع چشم زخم مجربست و در حدیث شریف آمده است
که اگر از چشم زخم زننده برای شوئیدن روی و دست و جسم گفته شود بی عذر بر فرموده
آنعمل نماید و در دل خود غم و غصه راه ندهد منقولست که عثمان رض طفلی خوشروئی را
ملاحظه کرد ارشاد نمود بپدرش که خالی از سیاهی بصورت او بسازند تا که نظر بد باو اثر
نکند از ترمذی شریف صحت این سخن میشود که خال سیاه بر چهره خوبان زدن برای دفع نظر بد
نافعست پس معلوم شد که این خالی از صحت و صدق نیست ایضا از حسن بصری
فرموده که هر کسیرا بر خود یا بر مال وغیره خیال اثر کردن نظر بد باشد باید که این آیه کریمه را
سه مرتبه بر خود یا بر مال خود دم کند نظر بد اثر نخواهد کرد وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا
لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا
ایضا در حدیث شریف آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله برای
حسنین علیهما السلام بکلمات صفحه بعد که نوشته میشود تعویذ فرموده‌اند از انحضرت

منقولست که حضرت ابراهیم علیه السلام برای حضرت اسماعیل علیه السلام و حضرت اسحق علیه السلام بهمین کلمات تعویذ فرموده اند کلمات مذکوره اینست أُعِیذُکَ بِکَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّةِ مِنْ کُلِّ شَرِّ شَیْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ عَیْنٍ لَامَّةٍ هر کسرا لازم است که این تعویذ را نوشته در گلوی طفلان خود آویزد و هر طفلی که این تعویذ در گلوی او باشد از جمیع آفات محفوظ خواهد بود ایضاً هر کس این تعویذ را نوشته در گلوی طفل بیاویزد بفضل ایزد سبحانه و تعالی از هر بلا و نظر بد محفوظ ماند بسم اللّٰه الرحمن الرحیم أَعُوذُ بِکَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ کُلِّ شَیْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَعَیْنٍ لَامَّةٍ تحصنت بحصن الف الف لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ ایضاً برای دفع ام الصبیان این تعویذ را نوشته در گلوی بندد اعوذ باللّٰه من الشیطان الرجیم بسم اللّٰه الرحمن الرحیم یا سبوح یا غفور لامنة من سلیمان بن داود یا غوث یا اهیا اشراهیا فی السفر خالدا و مخلدا و با سهر دو کات بعون اللّٰه فی کل شفا و علیهم یا حافظ یا اللّٰه یا اللّٰه یا اللّٰه برحمتک یا ارحم الراحمین

و این فتیله را نوشته بسوزاند و خاکستر آنرا بجسم طفل بمالد ۱۹۹۳۲۵۵۷۷۲۴

ایضاً این نقش را نوشته بر بازوی خود بندد از نظر بد محفوظ ماند ۲۳۱۲۸ ۲۸۵

ایضاً این نقش را بر پوست آهو نوشته نزد خود دارد از نظر و از بلاها و آفتها محفوظ ماند

[illegible]	[illegible]	[illegible]	مالک	[illegible]
صراط الذین	[illegible]	هذا الصراط	[illegible]	ایاک نعبد
انعمت	علیهم	المغضوب	علیهم	[illegible]
الضالین	[illegible]	بسم اللّٰه	الرحمن	الرحیم

	۱		
	۸		۶
۳		۵	۷
	۴		۲
	۹		

ایضاً هر کس که این تعویذ را که در صفحهٔ (۴۷) نوشته شده بنویسد و در گلوی طفل بندد یا بر کاسهٔ چینی بنویسد و بشوید و باو بخوراند از نظر بد و جمیع

فصل در بیان تعویذات گریه اطفال

بلاها در امان خواهد بود نقش اینست

۷۸۶

۴۴۲	۴۵۰	۴۵۳	۴۳۹
۴۵۳	۴۴۰	۴۴۵	۴۵۱
۴۴۱	۴۵۵	۴۴۸	۴۴۴
۴۴۹	۴۴۲	۴۴۳	۴۵۴

اگر طفل در خواب یا بیداری بسیار گریه کند
این آیهٔ کریمه را نوشته در گردن او به بندند
بسم الله الرحمن الرحیم شهد الله انه
لا اله الا هو ان الدین عند الله الاسلام انشاء الله تعالی گریهٔ او مسدود خواهد شد

ایضاً برای دفع گریهٔ اطفال بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله عالی
بسم الله متعالی بسم الله خیر الاسماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء
فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم و ننزل من القرآن ما هو
شفاء و رحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا این آیات مشرکه را
بر کاسهٔ چینی نوشته و بشویند و بخورانند و بر چهرهٔ طفل بمالند گریهٔ او قطع شود و این دو
نقش باهم نوشته در گردن طفل بندند که بسیار مجربست

بسم الله الرحمن الرحیم

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۶	۱	۸
۷	۵	۱۳
۲	۹	۴

ایضاً هر که این نقش
محرم را با طهارت کامل
بر کاغذ طاهر رو بقبله
نشسته بنویسد و بر گلوی طفلی که بسیار میگرید بندند
گریهٔ او مسدود خواهد شد

ایضاً هر که این نقش در ماه محرم بر لوح سیمین
کنده و بر گلوی طفل اندازد گریستن او دفع شود
گردد و از نظر بد و جمله آفات و بلاها محفوظ باشد

لا ااا ه ااا ه

۷۸۶

ظ	ی	ف	ح
ح	ف	ی	ظ
ی	ظ	ح	ف
ف	ح	ظ	ی

ایضاً برای دفع گریه بر گلوی طفل نهند از برکت
این نقش بی خوابی
و گریهٔ او بر طرف و دفع شود

۴۷۲۳	[illegible]	[illegible]
۴۷۲۴	[illegible]	۴۷۲۰
۴۷۱۹	[illegible]	۴۷۲۲

فصل شانزدهم در بیان دریافتن حال مریض

اگر دریافتن حال مریض منظور باشد که او درچه مرضی مبتلا است یا که آسیب زده است باید که
هفت تار ریسمان نیلگون گرفته از انگشت پای تا موی پیشانی مریض پیموده یکبار درود
شریف و هفت مرتبه سوره حمد و یکمرتبه آیة الکرسی بعده هفتمرتبه این دعا را بخواند بسم اللّه
الرحمن الرحیم قیونش مفتش وجمایش منعایش بشاقیش مایش آبونش
برحمتك یا ارحم الراحمین بعد ریسمان مذکوره را بالا پیماید به بینند که زیاد
یا کم شده است اگر یک انگشت کم شده باید دانست که دیو است و اگر دو انگشت
کم شده خلل آسیب دیگر است و اگر سه انگشت کم باشد سحر است و اگر چهار
انگشت کم باشد ام الصبیان است اگر یک انگشت زیاده باشد نظر بد است
و اگر دو انگشت زیاده باشد نظر گفتار است اگر سه انگشت زیاده باشد باد زده
است و اگر چهار انگشت زیاده باشد تب است و اگر زیاد و کم نباشد مرض جسم است

ایضاً برای دریافتن مرض این نقش را بنویسید و بر نقش این اسما را هفتمرتبه خوانده
بر دست مریض دم کنند اگر سحر باشد سر و دوش گران باشد و اگر آسیب باشد دست
مریض بلرزد و اگر مرض است هیچ نشود و اینست

۷۸۶

٣٢٤	٣٢٧	٣٣٠	٣١٧
٣٢٩	٣١٦	٣٢٣	٣٢٨
٣١٩	٣٣٢	٣٢٥	٣٢٢
٣٢٦	٣٢١	٣٢٠	٣٣١

و اسماهم اینست ملحشفا اباد ملحشفا ۲ بار
ملحیشفا ۳ بار ادسلینا اثو علق بحق سلیمان
بن داود علیهما السلام حاضر شود

ایضاً برای تحقیق مریض و آسیب بیارد یک سفالین نو گلی در آن نقش ذیل
نوشته شود و هفتمرتبه بر سر مریض گردش داده در آتش انداز دو آنشرا از بادکش خوب روشن
سازد اگر حروف سفید برآمد سحر است و اگر حروف برنگ سرخ باشد خلل آسیب جن و پاک
است و اگر حروف غایب شد آسیب و سایه پری تصور باید نمود و اگر حروف بدستور سابق سیاه

باشد مرض معمولی جسمست علاجش سازند بطبیب رجوع نمایند و نقش این است
۳ ۴ ۱۱ ۱۲ ۶۴ ح۹۶۵۱۸۳۰

ایضاً هر کسی مریض باشد این روز نامچه را ملاحظه کند و برای هر روز و شب آنچه حکم
باشد بر آن عمل کند از فضل شافی مطلق زود تر شفا یابد و حاجت علاج و لجاجت
والتجای حکیم و دنیانی نه افتد **روز دوشنبه** اگر کسی در این روز بیمار گردد حامل آن
زحل است بر مریض هشت روز بسیار سخت باشد بیماری او بذریعه غم و تلخی یا خشم رحم
باشد علامتش اینست سر او گران باشد و گردش کند و چشمش لرزد و تمامی جسم
گران باشد و تشنگی زیاد باشد و خواب کم رود و اگر طفل بیمار گردد علامتش اینست که
تمام روز بگریه و پستان مادر نگیرد و از اینست که مادر یا دایه او روبروی غیری بطفل شیر
داده نظر بد او بطفل اثر کرده تا هفت روز گران باشد صدقه بدهد (ماش سیاه کنجد سیاه
هر دو یا یکچاریک و پارچه سیاه یک گز و چهار گره و اندکی آهن بیکنفر محتاج باید بدهند
شب سه شنبه اگر کسی بمرضی مبتلا گردد بیماری او بسبب سایه پری کبود است صدقه بدهد
جانوری سیاه مثل زاغ وغیره و چهار گز پارچه نو که هر چهار گوشه پارچه سیاه نماید و در یک گوشه
و گوشه دیگر اندک آهن و دیگر نان بسته بدرویش بدهد و یک تعویذ دفع نظر بد قدری
نوشته در گلو بندد **روز یکشنبه** اگر کسی بیمار شود حامل آن روز آفتاب است بیمار
تا چهارده روز در غایت سختی مبتلا باشد بالاخره صحت یابد بیماری او جهت برهنه شدن
جسم یا بسبب خوردن طعام سفید مثل شیر برنج وغیره لاحق شده است علامتش
اینست که درد سر و جسمش گرم مثل تب و تمام شب و تمام روز بیقرار باشد
و چشمش سرخ و رویش زرد باشد و با کسی سخن نکند و در خواب خوف کند صدقه
جزات برنج و پارچه استعمال شده از بیمار را با هفت نان از روغن سیاه پخته
بکسی محتاج بدهد **شب یکشنبه** اگر باین شب مریض علیل شود سایه پری سیاه یا
دیوی است علامتش اینست که جسمش سست باشد و در خواب بترسد که گویا شخصی ایستاده
با و حمله کند و با کسی سخن نکند صدقه پارچه زرد و زنگ و اندک در برنج زرد باید بمحتاج بدهد

علامت درد اعضا و سستی جسم و تشنج پای است صدقه بچه بز سیاه ارزد
جو کمیر روغن کنجد ۲ چهاتانک بکسی محتاج بدهد روز جمعه اگر کسی بیمار شود
آن روز زهره است بر بیمار یازده روز گران باشد بیماری او بجهت غلبه خون است
و یا که جای خود بخود بر زمین افتاده و در آنجا جنی بوده که از جسم او حس کرده علامت
سستی جسم و درد سر باشد و در خواب کلمات لایعنی گوید و چشمش باشد صدقه خاک
چهار راه با خاک قبرستان که آنرا در هندی مرگهت گویند با خون بز سفید تر کنند
و یکچراغ آرد ماش بسازد و اندک سپند و زردچوبه گرفته همه اشیا را در پارچه سیاه
بندد و در ظرف گلی نو نهاده رویش محکم کرده در دریا اندازد و یک نان به آرد ۲ پاو
پخته روغن زرد و شکر ۲ پاو بر او نهاده و قدری نقره و ۲ گز پارچه سفید بفقیر محتاج
بدهد و اگر طفل بیمار شود بیماری او از صدمه دیو و پری یا جهت خوردن شیر و جمرات
و برهنه غسل کردن است علامت درد سر و زانو و از چشمهای او آب روان گردد و چهره
زرد شود و شیر ننوشد علاج موی دم مرغ یا زاغ را گرفته بسوزاند و دود آنرا بجسم
او رساند و شیر برنج پخته بمحتاج دهد شب جمعه اگر بیمار شود بیماری او از سایه
دیو و پری است صدقه روغن کنجد دال ماش و دال نخود و دال مسور یا جانور
سفید یا سیاه و قدری نقره اگر ممکن نباشد یک نان ۲ دو پاو وزنی در روغن گاو
تر کرده شکر سفید انداخته و پارچه سفید و یک بیضه مرغ و آب تازه بمحتاج دهد و اگر
کسی بیمار شود عدد اسم مریض و مادر او را جمع کرده و بر هفت طرح دهد
اگر یک باقیماند روز شنبه است و اگر دو باقی ماند روز یکشنبه است و اگر سه باقی
ماند روز دوشنبه است و اگر چهار باقی ماند روز سه شنبه است و اگر پنج باقیماند
روز چهارشنبه و اگر شش باقیماند روز پنجشنبه است و اگر هفت باقی ماند روز
روز جمعه

فصل هفدهم در بیان تعویذات شفای امراض متفرقه

باشد مرض معمولی جسمت علاجش سازند بطبیب رجوع نمایند و نقش این است

٣ ٤ ١١ ١٢ ٤٤ ٦٩ ٤٥ ١٨ ٣٠

ایضاً هر کسی مریض باشد این روزنامچه را ملاحظه کند و برای هر روز و شب آنچه حکم باشد بر آن عمل کند از فضل شافی مطلق زود تر شفا یابد و حاجت علاج و تجاجت والتجای حکیم دنیائی نیافته **روز شنبه** اگر کسی در این روز بیمار گردد حامل آن زحل است بر مریض هشت روز بسیار سخت باشد بیماری او بذریعه غم و تلخی یا خشم رحم باشد علامات او اینست سر او گران باشد و گردش کند و جسمش لرزد و تمامی جسم گران باشد و تشنگی زیاد باشد و خواب کم رود و اگر طفل بیمار گردد علامتش اینست که تمام روز بگرید و پستان مادر نگیرد از اینست که مادر یا دایهٔ او روبروی غیری بطفل شیر داده نظر بد او بطفل اثر کرده تا هفت روز گران باشد صدقه بدهد (ماش سیاه کنجد سیاه هر دو یا یکچاریک و پارچه سیاه یک گز و چهار گره و اندکی آهن بیکنفر محتاج باید بدهند **شب یکشنبه** اگر کسی بمرضی مبتلا گردد بیماری او بسبب سایه پری کبود است صدقه بدهد جانوری سیاه مثل زاغ وغیره و چهار گز پارچه نو که هر چهار گوشه پارچه سیاه نماید و در یک گوشه وگوشه دیگر اندک آهن و دیگر نان بسته بدرویش بدهد و یک تعویذ دفع نظر بد وتری نوشته در گلو بندد **روز یکشنبه** اگر کسی بیمار شود حامل آن روز آفتاب است بیمار تا چهارده روز در غایت سختی مبتلا باشد بالاخره صحت یابد بیماری او جهة برهنه شدن جسم یا بسبب خوردن طعام سفید مثل شیر برنج وغیره لاحق شده است علامتش اینست که درد سر و جسمش گرم مثل تب و تمام شب و تمام روز بیقرار باشد و چشمش سرخ و رویش زرد باشد و با کسی سخن نکند و در خواب خوف کند صدقه خیرات برنج و پارچه استعمال شده از بیمار را با هفت نان از روغن سیاه پخته بکسی محتاج بدهد **شب یکشنبه** اگر باین شب مریض علیل شود سایه پری سیاه یا دیوی است علامتش اینست که جسمش سست باشد و در خواب بترسد که گویا شخصی ایستاده با او حمله کند و با کسی سخن نکند صدقه پارچه زرد و نمک و اندک و برنج زرد باید بمحتاج بدهد

روز یکشنبه اگر کسی درین روز بیمار گردد آن روز عمل آفتاب است بیمار پانزده روز
گران باشد بیماری او بسبب نظر بد زاغ و زغن یا پری یا بسبب خوردن طعام سفید است
علامتش اینست که درد سر و سستی جگر و ناف و در تمام جسم او درد باشد و اگر طفل
بیمار باشد خلل ام الصبیان است و ام الصبیان زن دیویست که طفل را از شیر خود
باز میدهد معهذا طفل بخوردن شیر مادر یا انسان نمیکند که بخورد حتی که هلاک بشود باید
صدقه هلدی و سپند در بر سر طفل بمالند و یک تا کیان سفید بر سر چهار راه بگذرانند
شب دوشنبه اگر کسی بیمار شود آن شخص از سایه خود خوف کرده بیمار شده است
صدقه بدهد یک بز سفید و کنجد سفید یک پاو دیک چهانک با یکمرغ سفید و اندکی
نیل و یکمثقال نقره بمحتاج دهد روز سه شنبه اگر کسی بیمار گردد روز مریخ است
بر بیمار ده روز گرانست بیماری او بسبب سایه دیو است یا نجاسة او آسیب است یا نجاسة
او درختی است که بر آن گذر یا حضر آسیب است و نظر او بمریض ضرر رسانید علامتش
اینست که در بیداری بناف و شکم او درد میگیرد که تمام جسمش میلرزد و خواب نمیرود
صدقه بدهد پارچه یک گز عدس و کنجد و گلنار و یکپارچه استعمال جسم مریض و هفت
انار گندم و روغن زرد دیگیر و مرغ برنگ سرخ مریض را معاینه کرده بمستحق بدهند
اگر طفل بیمار باشد نظر زنی حرام خور یا زنی دیگر نظر زده صدقه شیربرنج پخته
و اندک پارچه سرخ بمستحق محتاج بدهد و اگر زن حامله بیمار گردد بیماری او ازین
جهت واقعشده که وقت شب برای ضرورتی برخاسته دیوی برآن مقام
بوده نظرش بروی افتاده خوف برداشته علامتش اینست که شکمش درد
میکند و در بول او بدبو باشد و تمام جسم او مثل اینکه خار فرورود صدقه بدهد
کبوتر سیاه ذبح کند و خون او را در ناخنهای مریض بمالند و با آب گرم بشویند
و آب آنرا در چار جامه افکند شب سه شنبه اگر بیمار شود بیماری او بسبب
خوف یا سرمی یا نظر دیو و پری است اندکی اجوائن بخورد و صدقه بدهد جامه سفید

یا سیاه و یکمرغ و یک نان پخته و یکمثقال نقره بمحتاج دهد روز چهارشنبه اگر کسی بیمار شود روز عطارد است بر بیمار پانزده روز گران باشد بیماری او از آن جهت است که نذر بزرگی کرده بود و بنذر وفا نکرده علامتش درد سر و پشت و سینه صدقه بدهد روغن زرد بر نان مالیده و چهار متر پارچه و قدری سیم و یک بیضه مرغ و یکمرغ سفید اگر ممکن نباشد یک پارچه گوشت زاغ و زغن و یک پاو برنج و یک پاو کنجد سیاه بمحتاجان دهد و اگر طفلک بیمار شود مادر یا دایه او رو بروی زن غیر شیر داده علامتش اینست که طفل بسمت شیر رغبت ننماید و سست مانده صدقه یکچراغ آرد چهار رویه ساخته در آن روغن بریزد هر چهار طرفش روشن کند و در دریا اندازد و نمک و موشه و برنج بمحتاج دهد شب چهارشنبه اگر شخصی در این شب بیمار گردد در غمی مبتلا شده است صدقه ۱ پاو برنج و یکمرغ و پارچه استعمال کرده مریض و دو نان هر دو ۱ پاو ۱ پاو بمستحق بدهد روز پنجشنبه اگر کسی بیمار شود آن روز مشتری است بر مریض ده روز گران باشد بیماریش بوجه برهنه غسل کردنست که نظر به آسیب پری و جن او را ضرر رساینده است یا بضعف شب برای رفع حاجت برخاسته و نظر پری بر او کارگر شده علامتش اینست که درد سر و درد کمر و درد ناف دارد و در خواب خوف کند و سستی بروی غالب شود صدقه مرغ سرخ و پارچه زرد و سرخ و سیاه و قدری برگ حنا و یک پاو گندم و قدری سیم و اگر طفل علیل باشد ام الصبیان او را شیر داده علامت اینست طفل بشیر مادر را نخورد و اگر اندکی بخورد استفراغ نماید و بسیار گریه و زاری کند و رنگش لحظه بلحظه زرد و سبز شود و لاغر شود صدقه یکچراغ آرد جو بسازد و هر چهار طرف فتیله روشن کند و شیر برنج پخته در دریا اندازد شب پنجشنبه اگر کسی بیمار گردد بیماری او بسبب ضرر رسانیدن دیو و پری است که بوقت شب در اثنای راه رفتار او دیو و پری را خوش آمده و نظر بد او اثر کرده است

علامت درد اعضا و سستی جسم و تشنج پای است صدقه بخته برسیاه ازرد جو کمیر روغن کنجد ۱ چهتانک بکسی محتاج بدهد روز جمعه اگر کسی بیمار شود آن روز زهره است بر بیمار یازده روز گران باشد بیماری او بجهت غلبه خونست و یا که جای خود بخود بر زمین افتاده و در آنجا جنی بوده که از جسم او هس کرده علامت سستی جسم و درد سر باشد و در خواب کلمات لایعنی گوید و چشمش باشد صدقه خاک چهار راه با خاک قبرستان که آنرا در هندی مرگهت گویند با خون بز سفید تر کنند و یکچراغ آرد ماش بسازد و اندک سپند و زرد هلدی گرفته همه اشیا را در پارچه پیچیده بندد و در ظرف گلی نو نهاده رویش محکم کرده در دریا اندازد و یک نان به آرد ۱ پاو پخته روغن زرد و شکر ۱ پاو بر او نهاده و قدری نقره و ۱ گز پارچه سفید بفقیر محتاج بدهد و اگر طفل بیمار شود بیماری او از صدمه دیو و پری یا جهت خوردن شیر و جغرات و برهنه غسل کردنست علامت درد سر و زانو و از چشمهای او آب روان گردد و چهره زرد شود و شیر ننوشد علاج موی دم مرغ یا زاغ را گرفته بسوزاند و دود آنرا بجسم او رساند و شیر برنج پخته بمحتاج دهد شب جمعه اگر بیمار شود بیماری او از سایه دیو و پری است صدقه روغن کنجد دوال ماش و دال نخود دوال مسور یا جانوری سفید یا سیاه و قدری نقره اگر ممکن نباشد یک نان ۲ دو پاو وزنی در روغن گاو تر کرده شکر سفید انداخته و پارچه سفید و یک بیضه مرغ و آب تازه بمحتاج دهد و اگر کسی بیمار شود عدد اسم مریض و مادر او را جمع کرده و بر هفت طرح دهد اگر یک باقیماند روز شنبه است و اگر دو باقی ماند روز یکشنبه است و اگر سه باقی ماند روز دوشنبه است و اگر چهار باقی ماند روز سه شنبه است و اگر پنج باقیماند روز چهارشنبه و اگر شش باقیماند روز پنجشنبه است و اگر هفت باقی ماند روز روز جمعه

فصل هفدهم در بیان تعویذات شفای امراض متفرقه

وقتی شخصی در مرضی مبتلا گردد آن شخص باید سوره الحمد را در میان نماز سنت و فرض
میم بسم الله الرحمن الرحیم را بالف لام الحمد وصل نماید و چهل و یکبار تا چهل روز بلا
فاصله بخواند و بر آب دم کند بمریض یا مسحور بخوراند بفضل خدا شفا می یابد ایضاً
اگر کسی بیمار شود سوره فاتحه را بر کاسه چینی با زعفران و گلاب و مشک بنویسند و بشویند
و بمریض دهند بخورد انشاء الله تعالی مریض زود شفا یابد ایضاً هر کسی که بیمار شود ختم
یا سلام بخواند و ترتیب آن اینست که اسم شریف یا سلام را یک لکھ بیست و پنجهزار
مرتبه در یک جلسه و احد طاق آنها یکه بخوانند یا سه یا پنج یا هفت بخوانند و نذر شافی مطلق
داده شیرینی تقسیم کنند انشاء الله مریض شفا یابد بزود تجربه رسیده است ایضاً اگر
بمرضی مبتلا گردد این شش آیه از قران شریف که آنها را آیات شفا مینامند بر کاسه
چینی با بسم الله نوشته با سوره فاتحه و در آب شسته بمریض بخوراند آیات اینست

۱ وَیَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِینَ ۲ وَشِفَاءٌ لِمَا فِی الصُّدُورِ ۳ یَخْرُجُ
مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِیهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ ۴ وَنُنَزِّلُ مِنَ
الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ ۵ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِینِ
۶ قُلْ هُوَ لِلَّذِینَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ ایضاً هر که بیمار شود این رباعی
با درود در اول و آخر بخواند بفضل الله تعالی شفا یابد رباعی

ای در صفت ذات تو حیران که و مه — وز هر دو جهان خدمت درگاه تو به
علت تو ستانی و شفا هم تو دهی — یارب تو بفضل خویش بستان و بده

ایضاً هر کسیرا که درد سر باشد از انگشت میانی و نر انگشت هر دو جانب
مریض پیشانی را گرفته الحمد بخواند و انگشتها از جنبش دهد که بعد الحمد هر دو انگشتان
بهم آمیزند و سه مرتبه چنین کنند انشاء الله تعالی درد سرش فوراً دور خواهد شد و باز نخواهد گردید
ایضاً این نقش سوره فاتحه را برای جمله امراض مفید است که بر کاغذ
یا کاسه چینی نوشته بشویند و بمریض بنوشانند از فضل شافی مطلق هر مریضی

۷۸۶

۲۳۴۰	۲۳۴۲	۲۳۳۶	۲۳۳۲
۲۳۴۵	۲۳۳۸	۲۳۳۹	۲۳۴۳
۲۳۳۴	۲۳۴۸	۲۳۱۴	۲۳۳۸
۲۳۴۲	۲۳۳۷	۲۳۳۵	۲۳۴۷

شفا یابد بسیار مجربست و نقش اینست:

ایضاً این نقش دعای حزب البحر است
این را بنویسد و در گلوی مریض بندد یا بر کاسه
چینی نوشته شوئیده بمریض بنوشانند
انشاء الله شفا خواهد یافت و نقش اینست

۴۱۶۸۲	۴۱۶۸۵	۴۱۶۸۸	۴۱۶۷۵
۴۱۶۸۷	۴۱۶۷۶	۴۱۶۸۱	۴۱۶۸۶
۴۱۶۷۲	۴۱۶۹۰	۴۱۶۸۳	۴۱۶۸۰
۴۱۶۸۴	۴۱۶۷۹	۴۱۶۷۸	۴۱۶۸۹

ایضاً این نقش سه قل است هر کس
این را بیوم جمعه نوشته بر بازوی خود بندد
انشاء الله تعالی از جمیع امراض محفوظ ماند

۳۵۴۰	۳۵۴۳	۳۵۴۶	۳۵۳۳
۳۵۴۵	۳۵۴۴	۳۵۳۹	۳۵۴۴
۳۵۳۵	۳۵۴۵	۳۵۴۷	۳۵۳۶
۳۵۴۱	۳۵۳۷	۳۵۳۶	۳۵۴۷

ایضاً این نقش یا حفیظ و یا حی است
هر کس بنویسد و بر بازوی راست بندد
زود تر شفا یابد و کسی که این نقش را باحتیاط
نزد خود وا دارد از جمیع آفات محفوظ و مصئون ماند اول اعداد یا حفیظ را در مربع پر کند
بعد از اعداد یا حی در مثلث نویسد اینست:

۷۸۶ ۲۵۲ ۲۵۰
۴۹ ۳ ۸ ۷ ۲۴۲
۲۵۴ ۲۴۳ ۲۴۱ ۲۵۳
۱ ۹ ۲
۲۴۲ ۲۵۷ ۲۵۰ ۲۴۵
۵ ۴ ۹
۲۵۱ ۲۴۶ ۲۴۵ ۲۵۶

ایضاً این نقش آیة الکرسی را نوشته
در گلوی مریض بندد شفا یابد و نقش
اینست:

۷۸۶

۱۰۵۴۵	۱۰۵۳۸	۱۰۵۴۳
۱۰۵۴۰	۱۰۵۴۲	۱۰۵۴۴
۱۰۵۴۱	۱۰۵۴۶	۱۰۵۳۹

ایضاً این نقش متبرک از سورهٔ لقمان است اگر در گردن زن حامله بندد صحیح و سلامت

تا ایام مقرره ماند و فرزند صالح و تن درست زاید و اگر شخصی با عتقاد و یقین کامل نزد خود دارد از همه آفات مضمون و محفوظ ماند نقش اینست

۳۹۷۴۹	۳۹۷۵۳	۳۹۷۵۶	۳۹۷۴۲
۳۹۷۵۵	۳۹۷۴۳	۳۹۷۴۸	۳۹۷۵۴
۳۹۷۴۴	۳۹۷۵۸	۳۹۷۵۱	۳۹۷۴۷
۳۹۷۵۶	۳۹۷۴۹	۳۹۷۴۵	۳۹۷۵۲

ایضاً این شکلرا نوشته در گردن مریض بندد انشاالله تعالی زود تر شفا یابد نقش اینست.

ایضاً هر کس برگ تنبول این آیه کریمه را نویسد و قبل از آمدن تب آن برگ تنبولرا معاینه کند انشاالله تعالی تب نخواهد کرد و اگر تب آید بعد دور شدن آن برگ تنبول حالرا نوشته تا سه روز بلا فاصله در چاه انداخته انشاالله تعالی تب ای دوم دور خواهد شد آیه اینست لَا یَرَوْنَ فِیهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِیرًا ایضاً در کتب معتبره بزرگان تحقیق شده که اگر کسیرا تب و لرز بگیرد این آیه کریمه را بر برگ تنبول یا برگ پیپل نوشته مریض به بندد انشاالله تعالی تب بند خواهد شد و اگر بر تقدیر تب آید برگ مذکور را تا سه روز در چاه اندازد اگر خواست خدا است تب بار دیگر عود نمیکند آیه کریمه اینست قُلْنَا یَا نَارُ کُونِی بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِیمَ ایضاً برای تب و لرز این اسماء را بر سفال آب ندیده نوشته بر بازوی راست بندد اسماء شریفه اینست اول روز یا محیط روز دوم یا محیطط روز سوم یا محیططط اگر روز اول تب نیاید نه بندد و گرنه تا سه روز عمل کند انشاالله تعالی نیاید ایضاً برای دفع تب و لرز یک حصه لهسن گرفته اسم ذیلرا برو نوشته در دست بندد تا سه مرتبه چنان عمل کند انشاالله تعالی تب و لرز دور خواهد شد ۱ رسم ۲ سرسم ۳ سرا سیم مجرب و آزموده است و در او شک و شبهه نیست ایضاً هر کس که به تب و لرز مبتلا باشد این نقشرا نوشته بر گلو بندد از فضل حافظ حقیقی بزودی شفا یابد بسی مجرب و ازموده است و نقش شریف در پشت صفحه است

۷۸۶

یا حافظ	یا حافظ	یا حافظ	یا حافظ
یا حافظ	یا حافظ	یا حافظ	یا حافظ
یا حافظ	یا حافظ	یا حافظ	یا حافظ
یا حافظ	یا حافظ	یا حافظ	یا حافظ

ایضاً برای دفع تب و لرز نوشته در گردن بندد یا در آب شوییده مریض بنوشانند انشاء الله صحت یابد مجرب و آزموده است

۷۸۶

یا کبیکج	یا کبیکج	یا کبیکج
یا کبیکج	یا کبیکج	یا کبیکج

ایضاً برای دفع تب کهنه نوشته در گردن مریض بندد از فضل خداوند کریم صحت یابد مجربست

۷۸۶

۶	۱	۸
۷	۵	۳
۲	۹	۴

ایضاً برای دفع عارضه صرع سورهٔ سجده را نوشته در گردن بندد و بفضل خداوند تعالی از صرع محفوظ میشود ایضاً شخصی را که عارضه صرع باشد این تعویذ را روز یکشنبه اول ساعت شمس بر لوح مس کنده در گردن بندد صرع او دفع خواهد شد یکطرف لوح این را کنید یَا قَهَّارُ اَنْتَ الَّذِی لَا یُطَاقُ انْتِقَامُهُ یَا قَهَّارُ و بر طرف دیگر یَا مُذِلَّ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیْدٍ بِقَهْرِ عَزِیْزِ سُلْطَانِهٖ یَا مُذِلُّ خیلی مجربست ایضاً برای دفع عارضه صرع این حروف را نوشته بر پیشانی مصروع بندد ۷۸۶ کٓهٰیٰعٓصٓ بحق حٰمٓ حٰمٓ حٰمٓ حٰمٓ حٰمٓ حٰمٓ حٰمٓ عٓسٓقٓ و بحق اِیَّاكَ نَعْبُدُ وَاِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ صرع فلان بن فلان دور شود ایضاً هر کسی را که عارضه صرع باشد بروز سه شنبه یکعدد مرغ سفید گرفته ذبح کرده از خون آن نقش را نوشته بر گردن مریض بندد

فـ ۶ فـ ۲ فـ و فـ و فـ و فـ

ایضاً برای دفع عارضه چیچک سوره بسم الله از چهل و یک کسان نویسند حروف بی نقطه و حرف عین و میم گشاده باشند در گلوی طفل بندد از فضل ایزد متعال آن طفلی که این حروف متبرکه بر گردنش باشد آبله در نخواهد آورد و بسیار مجربست ایضاً وقتی که دور بر آمدن آبله آغاز شود این نقش را نوشته بر گلوی طفل بندند انشاء الله تعالی از بیرون آمدن چیچک محفوظ خواهد شد و نقش در صفحهٔ بعد در چیچک نوشته شده

سلام	قولا	من رب	رحیم
۱۳۱	۱۳۷	۲۹۲	۲۸۹۱
۲۹۳	۲۸۸	۱۳۳	۱۳۶
۲۸۷	۲۹۰	۱۳۹	۱۳۸
۱۳۵	۱۳۴	۱۳۴	۲۹۱

ایضاً برای دفع عارضهٔ آبله در شرف آفتاب نوشته بر بازو بندد انشاءالله تعالی آبله دیر آید نقش معظم اینست

۷۸۶

بسم الله الرحمن	الرحیم	الحمد لله	رب العالمین
	۵	۱۹	۹۰
الرحمن الرحیم	مالک یوم الدین	ایاک نعبد	وایاک نستعین
		۱۲	۹۳
اهدنا الصراط	المستقیم	صراط	الذین
	۱۰۱	۹	۹
انعمت علیهم	غیر المغضوب	علیهم	ولا الضالین
۳	ع	۴	آمین

ایضاً کسی که عارضهٔ چیچک لاحق گردد این نقش را نوشته بر مریض و در آب شسته بنوشانند از فضل خدا تعالی صحت یابد

۷۸۶

۱۵	۳۶	۲۵	۳۳
۳۴	۲۱	۱۳	۲۷
۳۰	۲۸	۲۰	۱۲
۳۳	۱۸	۱۶	۲۴

ایضاً در زمانیکه عارضهٔ وبائی هیضه پر زور باشد این نقش را نوشته بر گلوی هر کس باشد او را بجز قضای الٰهی هیچ

ایضاً هر کس را درد سر باشد این تعویذ را نوشته در سر بندد انشاءالله درد زایل شود

نقش سلیمانی اینست

۷۸۶

	یا بدوح	
یا حفیظ	یا حافظ	یا حفیظ
یا حفیظ	یا حفیظ	یا حفیظ
یا حفیظ	یا حفیظ	یا حفیظ
	یا بدوح	

ایضاً برای درد نیم سر این تعویذ شریف را در آخر جمعهٔ ماه مبارک رمضان مقابل قبله نشسته نویسد و بر سر مریض روی در بندد انشاءالله تعالی درد دور خواهد شد بسم الله الرحمن الرحیم الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء لجعله ساکنا ثم جعلنا الشمس علیه دلیلا ثم قبضناه الینا قبضا یسیرا

ایضاً برای درد سر این نقش را نوشته بر سر بندد

۱۱۱ آ هی ی ه

ایضاً شخصی که از بینی او خون جاری باشد از همان خون این شکل را با خون بر پیشانی او بنند آید و صحت گردد

ای خون بگناه مادری که دختر مارا بجر یف بر باست

ایضاً شخصی را که ضعف بصر باشد یا در چشمش سرخی یا درد باشد این آیه کریمه را سه بار بعد نماز پنجگانه بخواند و بر چشمانش دم کند انشاء الله تعالی چشمانش تندرست و خوش بین خواهد شد فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ

ایضاً هر کسی از عارضه چشم دردمند باشد این دعا را خوانده بر چشم دم کند صحت یابد اَللّٰهُمَّ مَتِّعْنِي بِبَصَرِي فَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ وَارِنِي فِي الْعَدُوِّ ثَارِي فَانْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي ایضاً هر کس هر روز هفت مرتبه خوانده چشمش آشوب نکند و قوت بصرش زیاد شود یوقا یوقا یرنقا ایضاً برای درد چشم نوشته بر چشم بندد اینست

ایضاً برای دفع شبکوری این نقش را بروز چهارشنبه بنویسد و بر بازو بندد و بفضل خدا تعالی صحت یابد اینست

محمد	احمد
مصطفی	مرتضی

۷۸۶

دو	حاضر دار	راده	دها ۱۲	ران ها	وادم	طللله
۶۶۶	ولوما	ارساء	هن	بن و مان	هن	بهغت
وبحق	لا	اله	الا	الله	محمد	رسول الله
بحق توریة	توریة	وبحق انجیل	انجیل	وبحق زبور	بحق فرقان	فرقان [illegible]

ایضاً هر شخصی که درد نخدان یا گلو درد باشد این نقش کرم تا کهنا بنویسد و بشوید و نوش کند درد فوراً موقوف گردد و اکثر تجربه کرده اند

یا باری	یا جلیل	یا مدبر

ایضاً در گردن هر کسی که درد باشد این آیه کریمه را با نقش نوشته در گلو بندد رفع درد گردد اینست آیه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اِنَّا جَعَلْنَا فِي اَعْنَاقِهِمْ اَغْلَالًا فَهِيَ اِلَى الْاَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُوْنَ

۷۸۶

۳۸۱۱	۳۸۰۴	۳۸۰۹
۳۸۰۶	۳۸۰۸	۳۸۱۰
۳۸۰۷	۳۸۱۲	۳۸۰۵

ایضاً هر کسی را که درد گوش باشد این آیه کریمه را

نوشته بر گوش بندد درد کم خواهد شد اینست بسم الله الرحمن الرحیم کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم وبالحق انزلناه وبالحق نزل ایضاً اگر شخصی را هول دل باشد یا که درد دل او دور گردد این نقش مکرم را بر روی دو کاغذ علیحده نویسد یکی را در گلو بندد و دیگر را شسته بنوشد انشاء الله تعالی صحت یابد

۷۸۶

لاحول	ولاقوة	الا بالله	العلی العظیم
العلی العظیم	الا بالله	ولاقوة	ولاحول
ولاقوة	لاحول	العلی العظیم	الا بالله
الا بالله	العلی العظیم	الحول	ولاقوة

ایضاً برای دفع هول و درد دل این نقش معظم را بروز جمعه قبل طلوع آفتاب تا هفت روز بلا فاصله نویسد اول روز دو نقش نویسد یکی در گلو بندد و دومی را شسته بنوشد و هر روز یکی نوشته و شسته بنوشد از فضل خدا تعالی صحت خواهد یافت نقش معظم و مکرم اینست

ایضاً شخصی که خفقان یا درد دل باشد این جدول نقش را با طهارت و با خلوص نیت نوشته و با ریسمان خام بسته بر دل بیاویزد انشاء الله هول دل موقوف خواهد شد

۷۸۶

۲۲۲۴	۲۲۳۹	۲۲۳۵	۲۲۳۰
۲۲۳۴	۲۲۳۰	۲۲۳۵	۲۲۳۷
۲۲۲۹	۲۲۳۸	۲۲۲۴	۲۲۳۶
۲۲۳۹	۲۲۲۷	۲۲۳۸	۲۲۳۶

نقش این است ۷۸۶

۱۴۶	۱۶۰	۱۵۷	۱۵۳
۱۵۸	۱۵۲	۱۴۷	۱۵۹
۱۵۱	۱۵۵	۱۶۲	۱۴۸
۱۶۱	۱۴۹	۱۵۰	۱۵۶

ایضاً اگر در پستان زنی درد باشد این دعا را بر گل خشک خوانده

۷۸۶

۸۹۲۷	۸۹۲۰	۸۹۲۵
۸۹۲۸	۸۹۲۴	۸۹۲۲
۸۹۲۳	۸۹۲۸	۸۹۲۱

دم کرده بزن دهد که او را بر پستان خود بمالد انشاء الله تعالی درد زایل گردد و درد منفجر

اِلی مَتی مهنا مِنی سرنجی دَوُش وا ای بیه وابن نای است و ن
دست وَن اسِمه وَن اثر، بلاکاس   ایضاً برای درد پشت
این آیه کریمه را نوشته بر پشت بندد درد از او دور خواهد شد آیه اینست
بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ یَخرُجُ مِن بَینِ الصُّلبِ وَالتَّرائِبِ تا آخر آیه
بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمین   ایضاً زنی که شیر او کم باشد سوره حجرات را
با زعفران نویسد و بشوید و باو بخورانند انشاء الله تعالی شیر بسیار شود ایضاً اگر
زنی یا ماده گاوی یا بز شیر آنها کم شود طشتی مسی قلعی طاهر این آیه را بر آن نو
شته با آنها بخورانند انشاء الله تعالی شیر آنها بسیار خواهد شد آیه کریمه اینست
بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ ثُمَّ قَسَت قُلُوبُکُم مِن بَعدِ ذلِکَ الی آخر آیه
ایضاً برای افزودن شیر سوره یس را بر کاغذ نویسد و آنرا با آب شسته بنوشانند
یا بر نمک خوانده باو بخورانند شیر زیاد شود ایضاً این نقش را برای دفع درد
شکم نوشته بشکم بندد انشاء الله تعالی درد فوراً دفع شود

۱۵۵۵	[illegible]	۱۵۵۷
۱۵۵۶	۱۵۵۴	۱۵۵۲
۱۵۵۱	۱۵۵۸	۱۵۵۳

ایضاً برای افزونی شیر این نقش را نوشته بر سینه بندد
انشاء الله تعالی شیر زیاد خواهد شد نقش معظم و مکرم
اینست مجرب و آزموده است

ایضاً برای درد
شکم و خونی که از شکم میآید این تعویذ را نوشته
بر شکم بندد انشاء الله تعالی بالکل رفع گردد اینست

۲۸۶

٦	١٩	١٤	١
٢	٤	١٥	١٤
١٣	٧	١٢	١٢
١٠	کبیس	٩	١٤

۱۲۰ و ۶	[illegible]	۱۲۵ ب
۳	۱۹ ۲	۲۱ ع
۱۲۰	[illegible]	[illegible]

ایضاً هر کس شکایت
از سوء هضم باشد
اینها را ۳ مرتبه خوانده بر شکم دم کند انشاء الله
تعالی هاضمه او زیاد گردد الیله الیله عبدی یا کریش و دضوا لله تعالی

عن بستنی ابو عبدالله القرشی مجرب است ایضاً این نقش را برای رفع طحال در روز چهارشنبه نوشته بر رشته خام بسته بر طحال بندد انشاء الله تعالی طحال بحالت اصلی خود خواهد آمد ١٥١ ومم الالاه ॥ ॥ ॥

ایضاً این نقش معظم را در عروج ماه بروز چهارشنبه با طهارت و با وضو کامل نویسد و در رشته خام پیچیده بر طحال بندد انشاء الله تعالی صحت کامل یابد مجرب و آزموده است ایها الطحال ارجع الی الموضع بحرمة محمد و آل محمد

مح مرد	مامدمد	سا مامح
وهد مح	مادمرد وبد	مى ماح مح
ما مرد مد	مع مح	سا ماد طال
لها مح	ر و	اى ما و ما

ایضاً برای درد گرده این نقش معظم را نوشته بمیان مریض ببندد انشاء الله تعالی از درد گرده نجات خواهد یافت نقش اینست

ایضاً هر کسی را ناف او از جای خود رود باید که از دختر نابالغ هفت تار ریسمان خام بگیرد و این هیئت را بر کاغذ نوشته با ریسمان پیچیده بر ناف بندد و بعد از صحت آن رشته را از کمر گشاده در دریا اندازد و شکل مذکور اینست

٦	۹	٣	٢
٢	٣	١	٦
٤	٨	٥	٤
۴	٥	٨	٤

ایضاً شخصی را که ناف او از جای افتاده این نقش را نوشته بر ناف بندد ناف او بمقام خود آید صحت یابد اینست

ایضاً برای درد کمر نوشته بر ریسمان سیاه پیچیده بر کمر بندد عفلج عفلج عفلج و ح و ح و ح

٦	٥ ٧ ٩	٤ ١٣	٩
٩٣	٣	٩	٤ ١٥
٣	نما ٩٨	٤ ٧	لا ع ٦
٩٧	٥	٢	٤ ١١ ١١

ایضاً شخصی بچنین عارضه مبتلا گردد که رودهای کمر در خصیه‌های شکم بر آید این نقش را که در پشت صفحه است نوشته

برناف بندد انشاء الله تعم بحالت اصلی عود نماید نقش اینست

۷۸۶

۲۵۵	۲۶۱	۲۵۱
۲۶۲	۲۵۸	۲۵۴
۲۵۷	۲۵۶	۲۶۰

ایضاً اگر کسی مصیبت سنگ مثانہ پیش آید این نقش را نوشته بنوشانند انشاء الله تعم زود تر شفا یابد نقش معظم مکرم اینست

۷۸۶

۲	۷	۶
۹	۵	۱
۴	۳	۸

ایضاً اگر شخصی بول مسدود باشد بر دست و پای خود یکیک این اسما را بنویسد انشاء الله تعالی گشاده شود حسب معمول بول براز کند اینست عیطش عیطوش عیطوش عشت

ایضاً هر کسیرا که در زیر ناف درد باشد این آیه کریمه را هفتاد مرتبه خوانده بر روغن دم کند و تا سه روز بر آنمقام بمالد انشاء الله تعم صحت یابد آیه کریمه اینست

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ایضاً برای عارضه دفع بواسیر اینها را هر روز بر کاغذ نوشته و شوئیده بنوشد بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ قَوَارِيْرَ قَوَارِيْرَ مَنْقُوْشٍ لَا يَرَوْنَ فِيْهَا شَمْسًا وَّلَا زَمْهَرِيْرًا ایضاً برای دفع عارضه بواسیر در روز شنبه در عروج ماه یک دانه لاکه سوراخ دار گرفته و اول و آخر این درود را با بسم الله و این آیه کریمه صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُوْنَ خوانده بر آن دم کند و بر کمر بندد انشاء الله تعم بواسیر دور شود ایضاً
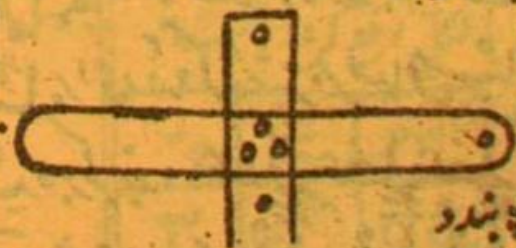
شخصی را که عارضه بواسیر خونی یا بادی باشد این شکل را بروز یکشنبه نوشته در دست چپ بندد انشاء الله تعم صحت کامل خواهد یافت

ایضاً شخصیرا که عارضه بواسیر باشد در آخر چهار شنبه وقت طلوع آفتاب این تعویذ را بر انگشتری نقره کنده در انگشت کند انشاء الله تعم بواسیر خوب شود و آیه در صفحه بعد است

الم المص الر المر کهیعص طه طسم طس یس ص ق ن ایضاً هر زنی که فرزند نزاید بر پوست آهو با زعفران و گلاب این آیه را نوشته و بر گلوی زن بندد انشاء الله تعالی فرزند نرینه زاید آیه اینست وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا ایضاً زنیکه فرزندش نشود بر نگین فیروزه این آیه را کنده انگشتری ساخته در انگشت کند و نیم شب گذشته اول و آخر یازده بار درود بخواند با طهارت و خلوص نیت بهمین طریق روزمره تا چهل روز بخواند اگر خواست خدایتعالی است در میان چهل روز حملش قرار گیرد بسیار مجربست آیه اینست رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ایضاً زنی را که حمل قرار نگیرد این تعویذ را بر کاغذ نوشته و سوئیده زن بخورد انشاء حمل گیرد تعویذ معظم اینست

۱۱ ۷ ۱۱۹ ۶۵۱۱ ۶۱۹۸۸۶۲ ۱۱

ایضاً هر زنیکه فرزند نزاید این تعویذ را نوشته بر گلو بندد و تعویذ معظم اینست و مجربست

۷۸۶

۵	۱۲	۱
۲	۶	۱۰
۱۱	ماچی	۷

قاعده اگر منظور دانستن معامله فرزند تولد نشدن تقصیر از مرد یا زنست باید که عدد اسمهای مرد و زن را بحساب ابجد بنویسد و بعده بر ۹۹ طرح دهد که عدد جفت باقی باشد قصور از مرد است و اگر عدد طاق ماند از زنست هیچ شکی نیست ایضاً هر زنی را که اگر اسقاط حمل میشود سوره اخلاص را یازده مرتبه خواند بر آب دم کند و آن آب را بخورد از فضل ایزد تعالی حمل قرار گیرد و فرزند زاید - یا هفت رشته ریسمان خام گرفته یازده مرتبه سوره مزمل را بر آن ریسمان خوانده دم کند و بعد ختم یک گره بر آن ریسمان بزند و بر کمر زن تا زائیده که حمل او میافتد ببندد انشاء الله تعالی حمل برقرار میماند ایضاً برای دفع شدت درد زائیدن این شعر را بنویسد بر ساق زن بندد مجربست و بعد از زائیدن فوراً دور کنند ۰ مرا جای شد خرم جای شد تو خواهی برای و تو خواهی نرای

ایضاً محققان فن ارشاد فرموده اند که اگر زنی را درد شدید بوقت زائیدن باشد و فرزند تولد نشود این آیه را بر کاغذ نوشته بر زانوی چپ زن بندند انشاء الله تعالی فرزند نرینه زود تر متولد شود و از شدت و سختی زن نجات یابد آیه کریمه اینست وَاَلْقَتْ مَا فِیْهَا وَتَخَلَّتْ وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ اٰهِیًا وَّاَشْرَاهِیًا ایضاً زنی را که درد زائیدن بشدت باشد و فرزند دیر تولد شود این نقش را نوشته بر زانوی زن بندند زود تر فرزند تولد شود و بعد از تولد از زانوی زن باز کنند نقش اینست

۷۸۶

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۸	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

ایضاً زنی را که درد زه یعنی زائیدن سخت باشد باید که تکبیر از اول تا آخر با بسم الله نوشته بعد سوره مبترکه قل هو الله را تا آخر نوشته بر زانوی زن بندند و بعد از تولد باز کنند

فصل هجدهم در متفرقات است

در کتاب مستطاب مفاخر الاسلام نوشته است که هر کسیرا که اشتیاق زیارت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله واستکبر باشد باید که بروز جمعه یکهزار بار آیین درود را بخواند اللّٰهم صل علی محمد النبی الامی انشاء الله در خواب بزیارت جمال باکمال آن حضرت مشرف خواهد شد ایضاً هر کسی که شوق زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم بیقرار کرده باشد این درود را در شب جمعه یکهزار مرتبه بخواند اللّٰهم صل علی سیدنا محمد صلوة تنجینا بها من جمیع الحاجات وتطهرنا بها من جمیع السیئات وترفعنا بها اعلی الدرجات وتبلغنا بها اقصی الغایات من جمیع الخیرات فی الحیوة وبعد الممات ایضاً کسی که در بلائی مبتلا باشد بگوید حسبنا الله ونعم الوکیل ایضاً هر کسی که بمصیبتی گرفتار باشد این آیه را بخواند انشاء الله تعالی آن مصیبت رفع خواهد شد انا لله وانا الیه راجعون اللّٰهم اجرنی فی مصیبتی واخلف لی خیرا منها ایضاً هر کسی که از آتش بسوزد این دعا را خوانده بر مقام آتش دم کند فوراً خاموش گردد اذهب البأس رب الناس اشف انت الشافی

لاشافی الا انت ایضا هر کسی که در غمی مبتلا باشد و پریشانی خاطر زیاد باشد
بخواند لا اله الا الله العظیم الحلیم لا اله الا الله رب العرش العظیم
لا اله الا الله رب السموات ورب الارض ورب العرش الکریم
خوانده دعا کند خداوند تعالی مشکلش را آسان گرداند و غمش براحت مبدل گردد
ایضا هر که بغمی و رنجی مبتلا گردد بگوید یاحی یاقیوم برحمتک استغیث
ایضا هر کسی را مشکلی پیش آید و بسبب آن پریشان خاطر باشد بگوید سبحان الله
العظیم ایضا برای زیادتی حافظه و دور شدن نسیان این آیات کریمه را بر یک
لقمه نان نوشته نهار بخورد روز دوشنبه فتعالی الله الملک الحق روز یکشنبه
رب زدنی علما روز دوشنبه سنقرئک فلا تنسی روز سه شنبه انه یعلم
الجهر وما یخفی روز چهارشنبه لا تحرک لسانک لتعجل به روز پنجشنبه
ان علینا جمعه وقرآنه روز جمعه فاذا قرأناه فاتبع قرآنه ایضا
برای زیادتی فهم و حافظه این آیات کریمه را اول و آخر یازده مرتبه درود شریف خوانده
یازده بار بعد هر نماز بخواند حافظه اش زیاد گردد رب اشرح لی صدری ویسر لی
امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی علم الانسان ما لم یعلم
رب زدنی علما ایضا هر که در سفر رود این مربع را نوشته نزد خود بگذارد
ماندگی سفر بروی اثر نکند و تشنگی یاده گردد مجربست و مربع نقش اینست

قادر	قایم	قوی	مقتدر
قوی	مقتدر	قادر	قایم
مقتدر	قوی	قایم	قادر
قایم	قادر	مقتدر	قوی

ایضا در تفسیر معانی نوشته است که اگر از
مگس و پشه کسی بتنگ آید و کثرت آنها و بال جان
باشند اندکی ریگ دریا بیاورد و بر آن
این آیات متبرکه را بخواند و دم کند و در خانه
بپاشد پشه ها و مگسان دور شوند آیه معظم اینست بسم الله الرحمن الرحیم
فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین فتبارک الله احسن الخالقین
واستودع الله دینک ومالک وزوجک ایضا در کتاب الجنان نوشته

است وقتیکه کثرت و آزار زنبوران شود باید که نمک در آب پخته و در خانه افشا
وایند عبارات باید بخواند انشاء الله تعالی در یکهفته تمام زنبوران دور خواهند شد اینست
بحق آهیا اشراهیا آذونی اصباوث و بحق و عنیا الوجوه للحی
القیوم. ایضا برای دفع موران این آیه معظمه ذیل را بر آب خوانده در سوراخهای
موران بریزند حتی اذا اتوا علی واد النمل تا آخر آیه انیمل در مفتاح الجنان
مرقوم است ایضا هر کسیرا که مار و کژدم یا بسکهپرا یا دیگر جانوری زهردار
بگزد باید که این دعا را هفت بار خوانده بر قند سیاه دم کنند و بر گزیده بخورانند
یا شربت نموده باو بخورانند بفضل خدا تعالی صحت یابد دعا این است
بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب الشفاء و ابیهقین من شر کل عقرب
وحیة انهم یکیدون کیدا و اکید کیدا فمهل الکافرین امهلهم
رویدا. ایضا برای جمله زهرها این آیه را نوشته و بشویند و بنوشانند
قل اعوذ برب الناس تا آخر سوره ایضا برای دفع جمله زهرها این
آیه را بر دل نوشته و بل زنند آیه متبرکه اینست لعن الذین کفروا الی آخره
ایضا اگر کسی جایش آتش گرفته باشد اسماء اصحاب کهف را بر کاسه سفید
نوشته در آتش اندازد آتش فرو نشیند و اسما اینست ۱ الهی بحرمت یملیخا
۲ مکسلمینا ۳ کشفوطط ۴ آذرفطیونس ۵ کشافطیونس ۶ تبیونس
۷ بوانس بوس و کلبهم قطمیر ایضا اگر کسی جایش آتش گرفته باشد
تکبیر خوانده آتش فرو نشیند ایضا اگر باران از آسمان نبارد و کشتها و زراعت
در حالت زار باشند اسماء کهف را بر کاغذ سفید نوشته در دریا اندازند انشاء الله
بارش بکثرت ببارد ایضا برای بارش چهل بار حرف ق را بر کاغذ سفید یا بر
تخته چوب نوشته بر درخت بیاویزد که باد او را جنبش دهد انشاء الله تعالی ابر غلیظ با
دارد غیب نمودار گردد و باران بکثرت ببارد. ایضا وقتیکه بارش زیاده از حد
شود و زراعت و مکانها را زیان رساند چهل و یکبار حرف ق بر کاغذ سفید نوشته
بر درخت سبز بیاویزند انشاء الله تعالی بارش موقوف خواهد شد مجربست ایضا

در کتب احادیث نوشته است که اگر ماه نو تاریخ اول معاینه کند یعنی ماه نو را به بیند این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنَا بِالْیُمْنِ وَالْاِیْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالتَّوْفِیْقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی رَبِّیْ وَرَبُّكَ اللّٰهُ ایضاً در مقصود القاصدین وغیره مروی است که هر کس هلال ماه به بیند دعای هلال بخواند و سوره فاتحه را با بسم الله سی وسه مرتبه بخواند تا ماه دیگر از آفات زمانه محفوظ ماند و در بعض روایات آمده است که سوره یس یکبار بخواند بهتر است ایضاً اگر شخصی پارچه قطع کند این ایام را ملاحظه نماید از حیث خوبی و بدی چنانچه در زاد المتوحین وغیره از حضرت علی مرتضی علیه السلام روایت شده و شاعری آنرا بنظم در آورده است

بریدن جامه نو را تو میدان	بیکشنبه شوی غمگین پریشان
گشاید رزق و روزی در دوشنبه	بتدبیر بسوزد در سه شنبه
بروز چهارشنبه شاد باشی	به پنجشنبه ز غم آزاد باشی
بروز جمعه گنج و مال یابی	بشنبه رنج و غم فی الحال یابی

ایضاً هر کسی که جامه نو قطع کند یا ببرد بموجب این اشعار ملاحظه و عمل کند

بشنبه گر بود نقصان جامه	بیکشنبه بود دولت و راحت
دوشنبه چو پوشی برگ جینی	سه شنبه بسوزد و غمگین نشینی
بروز چهارشنبه دولت آید	به پنجشنبه بسی زیبا نماید
بروز جمعه و بنیاد جنون باید	چنین تعبیر حکمایان نمایند

ایضاً در حصن حصین آمده است که اگر کسی جامه نو پوشد این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ خَیْرِهٖ وَخَیْرِ مَا هُوَ لَهٗ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهٖ وَشَرِّ مَا هُوَ لَهٗ ایضاً بوقت درخشیدن رعد و برق و بانگ سخت بخواند این آیه معظمه و مکرمه را هست یُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهٖ وَالْمَلٰٓئِكَةُ مِنْ خِیْفَتِهٖ ایضاً وقتی که شیطان بصورت خوفناک رو نما شود با آواز بلند تکبیر گوید و آیة الکرسی بخواند ایضاً هر وقت وزیدن بادهای تند و سخت و خوفناک بوزد قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخواند ایضاً بوقت کسوف و خسوف یعنی خورشید یا ماه گرفتن باشد بدرگاه حضرت مستجاب الدعوة دعا کند و تکبیر گوید و بنماز خواندن کسوف و خسوف مشغول شود و صدقه بدهد این دعا

از مسلم و ابو داود و نسائی منقولست ایضاً از ترمذی و نسائی و ابن ماجه و حاکم منقولست که وقتی که آثار لیلة القدر مشاهده نمایند این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّیْ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ ایضاً از ترمذی و حاکم منقولست که هر که در بلائی گرفتار باشد بگوید اَللّٰهُمَّ اكْفِنِیْ بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَاَغْنِنِیْ مِنْ فَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ ایضاً هر که در قرض گرفتار باشد و قدرت ادای نداشته باشد این دعا را بخواند اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّیْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ ایضاً اگر دست و پای کسی سست شود شخصی را که زیادتر دوست میدارد یاد کند و بهتر آنست که اسم شریف حضرت خاتم الانبیا محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله را ورد زبان کند و درود نامحدود بر ارواح پاک ایشان بفرستد چرا که محبوبترین خلایق ایشانند ایضاً هر کسی که قصد سفر کند بوقت صبح از خانه بیرون آید که روز پنجشنبه یا دوشنبه و شنبه باشد مناسبست که پابندی احکام نجوم نکند سعادت و نحوست ایام را خیال نکند پابندی آن کردن شیوهٔ بزرگان دین نیست و نیز مرویست که حضرت علی علیه السلام فرمود در وقت سفر کردن قمر در عقرب را ملاحظه کنید نباشد و دیگر بدستور نجوم رفتار نمایند ایضاً از جبیر روایتست که حضرت رسول خدا ارشاد فرمود که ای جبیر تمنا داری که برای حصول مال و دولت سفر کنی و نزد اصحاب خود عزت و توقیر تو افزون گردد جبیر عرض کرد بلی حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود این پنج سوره معظمه را بخوان و سفر کن و اول و آخر هر سوره بسم الله بگو جبیر میگوید من بموجب ارشاد ۱ قل یا ایها ۲ اذا جاء ۳ قل هو الله ۴ قل اعوذ برب الفلق ۵ قل اعوذ برب الناس تمام و کمال خواندم در اندک زمانی طی شدم و در نزد اصحاب خود عزیز و صاحب توقیر گشتم پس از این بهتر سند معتبر که بهم نخواهد رسید

باب ششم در بیان معالجات مشتمل بر دوازده فصول

اندرین باب معالجاتی که در حدیث وارد شده است و با اطبا و حکمای فاضل و کامل

بعد تجربه حواله قلم کرده اند نذر ناظرین کرده میشود بدرگاه حکیم علی الاطلاق و شافی حقیقی ملتجی است که هر مریضی که از علاج مرقومه عمل آرد بفضل و کرم الٰهی شفا می یابد

فصل اول در بیان تب

در تب دق مرقوم است که صاحب دق قرص کافور را بخورد نسخه قرص امینست زعفران و کافور هر یک ۳ ماشه اصل السوس مقشر بهدانه، خشخاش سفید هر یک چهه چهه ماشه (بمقدار شش مثقال) تخم خرفه مقشر، تخم خیارین، تخم کاهو، صندل در گلاب سائیده تخم تربز هر یک یکتوله صمغ عربی، کتیرا یک ماشه آمیخته قرص سازند و چهار ماشه مریض بخورد شفا یابد انشاء الله

ایضاً آب لت پیره یکتوله شکر خام یکتوله گرفته در شیر گاو آمیخته مریض را بنوشانند

ایضاً برای دفع تب و لرز مغز کرنجوا را باریک سائیده در قند سیاه حب های مثل هیر صحرائی بندد قبل از آمدن تب مریض را بخورانند **ایضاً** برای تب و لرز سمندر پهل سائیده بر لیموی کاغذی افشانده پیشتر از آمدن تب و لرز باو بخورانند

فصل دوم در بیان جراحات

در جنگ احد روی مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و آله مجروح شد حضرت زهرا سلام الله علیها خون از روی مبارک آنحضرت می شست و جناب امیر ع میانداختند خون مسدود نشد پیغمبر ص فرمود که بوریا را بسوزانند و خاکسترش را بر آن زخم ریختند فوراً خون مسدود شد

ایضاً ابریشم را بسوزانند و در جای زخم خون پر کنند خون بند خواهد آمد

فصل در علاج خارش بدن

در صحیحین مذکور است که انس بن مالک از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که عرض کرد که عبد الرحمن بن عوف و زبیر بن العوام عارضه خارش بدن پیدا کرده اند ارشاد فرمود که پیراهن ابریشمین بپوشند **ایضاً** برگ درخت نیم نو بر آمده یکتوله در آب سائیده تا دو هفته بنوشند **ایضاً** روغن چنبیلی با گلاب خالص ۲ عرق خالص لیمو در ظرف چینی انداخته مالش نمایند فیمونیا ۲ توله

توتیای سبز ۲ ماشه سائیده در جسم مالش سازند ایضاً چراته تلخ شاهتره هلیله زرد هر یک یکتوله بابچی ۲ ماشه در شب بخیسانند صبح سائیده و صاف کرده بنوشند ایضاً موسله کتهل گرفته در آتش هیزم بسوزانند بعد باریک سائیده در روغن کنجد آمیخته بر خارش بدن بمالد بعد چهار گهری از آب غسل سازد ایضاً صابون را در آب آمیخته بر خارش بمالد بعد غسل نماید ایضاً شوره قلمی در روغن تلخ آمیخته بر بدن بمالد شفا یابد ایضاً برگ حنا در روغن گل سائیده بر جسم بمالد ایضاً سهاگه روغن چنبیلی گلاب آب لیمو کافور باهم آمیخته بر بدن بمالند

فصل چهارم در بیان دفع درد سر

در این باب مرقوم است که در سر مبارک پیغمبر صلعم گاه گاه درد میآمد آنحضرت برگ حنا استعمال میفرمودند اکثر مردم ارشاد میشدند که برگ حنا برای رفع درد سر نافع است وقتی که درد سر بسبب حرارت میباشد برگ حنا استعمال مینمودند و اگر ماده پیدا میشد جراح را میخواستند فصد یا حجامت میفرمودند ایضاً پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی پوست هلیله سیاه گشنیز خشک هر کدام یک توله کوفته و بیخته در پارچه سنگین کرده در روغن گاو چرب کرده و بقوام آورده معجون سازند دو توله در هر روز بخورند ایضاً برای دفع درد سر باد آب برگ درخت زوفا صاف کرده دو سه قطره در بینی چکانند ایضاً برای دفع درد نیم سر زنجبیل و شکر را در اندک شیر سوخته در بینی بچکانند و روی را با آفتاب کنند ایضاً هیولرا در آب سائیده و بر جبین بچسپانند

فصل پنجم در علاج درد چشم

در زمان حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم عارضه آشوب درد چشم زیاد شد آنحضرت مردم را باستراحت و آسایش امر میفرمود و حضرت امیر مومنان علی علیه السلام در آشوب درد چشم رطب خوردن را منع میفرمود ایضاً نشاسته گندم و روغن گاو هر یک دو توله خمیر کرده و چهار قرص نموده در کاسه گلی نهاده بر روی آتش خوب گرم و بسته شد

بر چشم گذارد وقتی که قرص سرد شد بردارند و قرص گرم شده دیگر را بگذارند تا قرص چهار می درد
چشم تسکین نماید ایضاً توده ۱ ماشه پهٹکری بریان ۱ ماشه افیون سه رتی برگ تمر
هندی ۴ ماشه همه را سائیده در پارچه بندد و بر چشم بگذارد ایضاً لعاب بهدانه و شیر
دختر با آب گشنیز آمیخته در چشم بریزند ایضاً وقتیکه در چشم سفیدی پیدا شود این
دوا را استعمال کنند روغن سیاه خالص برگ نو درخت نیب ½ توله صابون ۲ توله باریک
بیخته در روغن مذکور آمیخته استعمال کنند ایضاً سرمه برای دهند و غیره فلفل سوخته
یکعدد و سپاری یکعدد توتیای بریان یکسرخ پهٹکری بریان ۴ سرخ رسوت ۴ سرخ
هلیله زرد ۴ سرخ همه این ادویه را در ظرف مسی بچوب درخت نیب که در سر آن چوب فلوس
باشد حل کرده استعمال کنند مجربست ایضاً نافع برای شبکوری شکر خالص
۱ ماشه در عرق بادیان آمیخته در چشم بریزند ایضاً آب پیاز در چشم بریزند
ایضاً آب برگ ترش در چشم کنند ایضاً نافع روزکوری است که در آب
غوطه زنند و چشم باز کنند

فصل ششم در بیان امراض دل

در سنن ابو داود نوشته است که سعد فرموده من بیمار شدم پیغمبر محترم ص بعیادت من
تشریف آوردند و ارشاد فرمودند که در دل تو درد است عرض کردم بلی حضرت فرمودند
که حارث بن کلده را از قبیله ثقیف بطلبید و بگوئید هفت عدد خرمای عجوه هم راه خود
بیاورد و چونکه علاج انسان میکند و با تخم خرما کوفته بنوشانند ایضاً برای فرحت و قوت
دل و دافع خفقان آب یکجزو قند دو جزو بدستور قوام کرده با اندکی گلاب و مشک مخلوط
نموده نوشش نمایند ایضاً مفرح و مقوی دل گل گڑهل سبزی دور کرده با دو برابر قند
مخلوط نمایند و بخورند ایضاً نافع خفقان حار اسپغول یکتوله لعاب برآورده قدری
شکر بنوشند ایضاً صندل سرخ ۲ ماشه آمله و گشنیز ۵ ماشه در نیم من آب
تر کرده صبح صاف کرده با شکر ممزوج نموده بنوشند

فصل هفتم در بیان حذر کردن

روزی اصحاب بجائی میرفتند و بسایه درختی نشستند و از میوه دیگر آن درخت خوردند همگی بی حس و بی حرکت شدند آنحضرت صلی الله علیه و آله را خبر دادند فرمود که در مشکها آب پر کرده و سرد کنند و اذان صبح بر سر آنها بریزند چنین عمل کردند همهٔ آنها صحیح و تن درست شدند

فصل هشتم در بیان علاج زهر و غیره

در حدیث آمده است که در خیبر زنی بز ماده را بریان کرده بود و بزهر آمیخته بود بحضور حضرت رسول صلی الله علیه و آله آورد آنحضرت قدری از آن تناول نمود بز بریان آواز داد که یا رسول الله زیاد از من نخورید که بزهر آمیخته است حضرت ص آن زن را طلبیدند فرمودند که این کار را چرا کردی عرض کرد که اگر پیغمبر هستید زهر بشما اثر نمیکند آنحضرت چند لقمه نوش فرموده بودند که بر آن راز مطلع شدند که این معجزه ظاهر شد ولی یکی از صحابه نیز قدری از آن گوشت خورده بود وفات یافت و حضرت امر فرمود آن زن را بقصاص صحابه بقتل رسانیدند و آن زهر اثر کامل با نحضرت نکرد اندک تاثیر کرد معهذا حضرت ص در میان شانه حجامت نمودند و باصحاب فرمودند چنین عمل کردند بعد از این حضرت صلی الله علیه و آله تا سه سال زنده بودند و میفرمودند که بجهت آن لقمه که در خیبر خورده ام بعد مرام حتی سال وفات رسید فرمودند که مدام صدمه آن گوشت خیبر است و حالا هم از اثر آن زهر رگهای من می شکند آخر الامر شهادت یافتند ظاهراً حکمت الهی در باقی ماندن زهر بجسم مبارک آن معلوم میشود که حضرت را بدرجهٔ شهادت سرافراز گرداند **ایضاً** برای هر قسم زهر گرم بیخ چولائی اگر تازه میسر گردد یک توله و اگر خشک باشد شش ماشه در آب سائیده در روغن گاو آمیخته بخورد **ایضاً** کنای خورد سائیده بخورد دافع زهر است **ایضاً** هر که سنکهیا خورده باشد یک ماشه کافور و چند توله گلاب حل کرده بنوشد دافع زهر است **ایضاً** برای دفع زهر سنکهیا با شیر بز جوش داده در روغن گاو داغ کرده آمیخته بنوشانند **ایضاً** برای دفع زهر افیون بیخ ارند سائیده بنوشانند

ایضاً برگ نو بید انجیر سائیده بنوشانند ایضاً برای دفع زهر افیون هینگ دو ماشه
دو سه مرتبه بخورانند ایضاً دفع مضرت سندور ادرک در نمک آمیخته بخورد ایضاً
ایضاً دافع مضرت سیماب و شنجرف روغن بید انجیر پنج ماشه در پاؤ آثار شیر
گاو حل کرده بنوشد ایضاً دافع مضرت کشتجات برگ نو درخت جامن
سه توله مثل بهنگ سائیده بنوشانند ایضاً برای زهر عنکبوت برگ چولائی
در روغن زرد سائیده لیپ کنند ایضاً برای دفع زهر موئی بیشر شیره برگ
کیسوندی سه روز بخورد ایضاً جهینگه ماهی سه چهار در حلق فرو آورد ایضاً
برای دفع زهر مار برگ کیسوندی سازد و در چشم اندازد ایضاً یکعدد گهتیل
در حلق فرو برد ایضاً هر که را مار گزیده باشد آنرا ببرند از جسم جدا سازند
علیحده یا که از آتش بسوزانند ایضاً قدری سهاگه تیلیا در روغن آمیخته
مار گزیده را بنوشانند ایضاً مار گزیده را برگ نو درخت آکهه در قند سیاه
آمیخته بخورانند و بالای آن روغن زرد بنوشانند ایضاً کنگن دهول
سائیده در بینی بچکانند ایضاً بیخ کسوندی تین ماشه فلفل دو ماشه
بخورانند ایضاً برای دفع سم عقرب آب لهسن سه توله شهد تین
توله آمیخته بخورانند ایضاً شیره آکهه بر عقرب گزیده بمالند نافع
است ایضاً نمک بر نیش عقرب بمالند نافع است ایضاً
سمندر پهل سائیده ضماد نمایند بر نیش عقرب ایضاً غلیظ موش گرفته
ضماد نمایند ایضاً چوب لریزه بر نیش عقرب بهند درد دفع خواهد شد
ایضاً سنکهیا در آب سائیده ضماد نمایند ایضاً هر که را عقرب
نیش زده باشد بال مور در قلیان مثل تنباکو بکشد ایضاً هر که را زنبور
بگزد لعاب اسبغول در سرکه بر آورده بنوشد ایضاً سبزی که در آب
چشمه میباشد در سرکه آمیخته طلا کنند ایضاً لعاب خطمی و خبازی بمالد

ایضاً مگس را بجای زنبور گزیده بمالد ایضاً سیاه دانه را سائیده بمالد
ایضاً تمباکو نوشیدنی بماله ایضاً شهد بخورد ضماد نماید ایضاً روغن
زرد بست یکبار شسته طلا کنند ایضاً کافور در سرکه حل کرده طلا کنند
ایضاً هر جا که زنبوران بسیار باشند در آنجا گندهک یا لهسن بسوزانند
زنبوران گریزان شوند ایضاً هر که را چهپکلی گزد سبوس گندم را در آب
خوب جوش داده لطول میسازند ایضاً هر که را عگ گزیده باشد برگ
نسوره یک توله فلفل سیاه ۱۵ عدد سائیده صاف کرده بنوشانند
ایضاً پیاز را کوفته در شهد آمیخته ضماد کنند ایضاً هر سگی که گزیده
باشد زبانش را بر آورده بسوزانند و خاکسترش را بر زخم بریزند ایضاً
هر کسی را که سگ بگزد بادامات سلطانی باریک برنگ مرج گرفته هفت ماشه
سیاه دو با قند سیاه آمیخته هفت حب کند و بعگ گزیده بخوراند ایضاً
برگ بریب گرم کرده بر زخم ببندد ایضاً زیره خوشه با جگر گرم آمیخته بخورد
ایضاً هر کسی را سگ گزیده شونیز دو ماشه در آب گرم آمیخته باو بخورانند
ایضاً هر کسی را موش گزیده باشد تخم سرشش برگ نیب مغز تخم کرنجوه
برابر وزن آنها در شاش ماده گاو سائیده و حب نموده بر آن طلا کنند
ایضاً اگر زخم گزیده انسان باشد برگ کوهی سائیده ضماد کنند
ایضاً اگر بگزد شونیز و کنجد سیاه در آب سائیده طلا نمایند ایضاً
پودینه بخورد نافعست ایضاً برای دفع هر هزار پایی کنکهجور و
روغن کنجد در چراغ ریخته و بر افروزد و فتیله چراغ گل شود و روغن آن
باقی ماند آن روغن را بموضع درد مالد انشاءالله درد خوب شود ایضاً اگر زخم
گزیده چونگ بچه شود تخم خشخاش سائیده ضماد نماید ایضاً پیاز لهسن در آب
سائیده ضماد کنند ایضاً میمون گزیده مردار سنگ و نمک در آب سائیده ضماد کنند

فصل نهم در بیان ضرب

اگر بر عضو انسان ضربتی رسد برگ مهل ۲۱ عدد سائیده در قند سیاه آمیخته هفت حب سازند و تا هفت روز بخورند ایضاً بادنجان خام در شکر آمیخته بخورد ایضاً نمک چهار ماشه شکر سفید چهار ماشه سفوف کرده بخورد ایضاً حجر الیهود یک ماشه بخورد ایضاً گندم را سوزانده خاکستر آنرا در قند سیاه آمیخته حل کنند با روغن زرد آمیخته بخورد ایضاً پهتگری یک ماشه در روغن زرد بریان کرده و بشکر آمیخته بخورد و این را بطور حلوا سازند ایضاً برگ سنجد و کنجد مساوی گرفته طلا کنند ایضاً دست و پای کسی بجهة رفتن راه پست و بالا یا بسبب دیگری ضربی رسد کنجد که از آن روغن گرفته باشند در آب خوب سائیده بآتش بپزد و برروی پارچه گسترده بر آن نهند

فصل دهم در بیان علاج سوخته

هرکه از آتش سوخته باشد پوست درخت تمرهندی در روغن گاو آمیخته بر موضع سوخته بمالد ایضاً گل پرتلاش کرده برگ نو آن گرفته در گل آمیخته نیم گرم طلا کنند ایضاً برگ ارند افشرده آبش را بمالند ایضاً سبزی حوض آب طلا کنند ایضاً مرکب نوشتنی بمالند ایضاً برگ انار سائیده طلا کنند ایضاً سیب را سائیده در سفیدی تخم مرغ آمیخته طلا کنند ایضاً کاه کهنه سوزانیده در روغن سرشف آمیخته بمالند ایضاً گندم با آرد جو در آب حل کرده بمالند ایضاً برگ نو درخت بیری در آب جغرات آمیخته طلا کنند ایضاً هینگ در آب سائیده بمالد ایضاً برگ بیری صحرائی در روغن کنجد سائیده ضماد کنند ایضاً اگر بدن کسی از آتش بازی سوخته و پوست آن از جسم جدا شود دال را باریک سائیده در روغن آمیخته بر آتش نهند وقتیکه هر دو یکذات شوند بر بدن بمالند انشاء الله تعالی فوراً تسکین یابد

ایضاً برگ حنا در آب سائیده شده ضماد نمایند ایضاً علاج سوخته گی کاتب الحروف
بارها تجربه کرده ام برای افاده عام قلمی نموده میشود اگر آزمایش آنرا تحریر کنیم کتاب بسیار
طویل میشود و از دکتر عظیم الشانی و صاحب هنری است نذر ناظرین نوشته میشود
هر که از آتش بسوزد بیارد چونه قلی و در آب اندازد که دود برآورد و بعد اندکی توقف نماید
وقتیکه چونه قلی در آب فرو نشیند آب زلال او را اگر در اندکی روغن سیاه با انگشتان حل
نماید که روغن و آب یکحال شده صورت مرهم زرد شده آنرا بر موضع سوخته ساعت
بساعت بمالند انشاء الله تعالی فوراً سوزش آن برطرف و زخم آن فوری بهتر خواهد شد
یکی از اثر و تجربه آنرا تحریر مینمایم شخصی بود که خیلی عشق و همت او بکبوتر داشتن داشت
و کبوتران زیادی داشت یکجفت از آنها خیلی خوشرنگ و بهتر از همه آنها بود آتش افروخته
بود مذ برای طبخ پختن یکی از آنها افتاد در آتش و تمام بال و پر او سوخت و یکقطعه گوشت
سرخ مانده بود فوراً مرهم مذکور بالا را درست کرده و آنرا در آن نشانیدیم از فضل خدا او
زنده ماند و بعد از یکهفته پر و بال او بیرون آمد چنانکه در یک ماه کامل بال و پر او مثل
اولش شد

فصل یازدهم در بیان علاج دفعیه سحر

منقولست که یهودی نامحمود بوجود حضرت اقدس نبوی صلی الله علیه و آله و سلم
سحر نمود و اثر سحر در وجود نبوی صلعم ظاهر گشت ارشاد فرمود که بر من حجامت کنند یعنی
رگها بچینی نمودن باید علماء در این مسئله میگویند که مصلحت از اثر سحر بر ذات اقدس
نبوی صلعم آن بود که بر یهودان منکشف و هویدا گردد که حضرت ختمی مرتبت ساحر نیست
بلکه رسول برحق و پیغمبر صادقست و این معنی جواب همان یهودی فاسق است که حضرت
رسول صلعم را ساحر میگفتند حالاکه ساحران را سحر کنند و هیچ ضرر نمیکند لهذا دعوی
باطل یهودانرا فسخ فرمود و از این حرکت یهودان عزت و توقیر آنحضرت را دو چندان
افزود و پس معلوم شد که این عمل برای سحر مفید تر است

فصل دوازدهم در بیان نسخه جات متفرقه

نسخه هر که را در دهان آبله افتد گاو زبان سوخته یکمثقال کبابه چینی یک مثقال تنها
۲ زهر مهره خطائی ۱ طباشیر ۱ دانه الایچی کلان ۱ مثقال خشک کوفته و بیخته
در دهان افشانند نسخه حریره مقوی دماغ نشاسته گندم یکتوله نخود بریان یکتوله
مغز چنبه یکتوله دانه خشخاش سفید ۹ ماشه پسته مغز بادام یکتوله مغز تخم کدوی شیرین
۲ ماشه مغز تخم کاهو مقشر ۹ ماشه نبات ۲ توله مسکه ۵ توله از همه ادویه حریره بدستور
معینه درست نمایند نسخه استحکام بن دندان چوب درخت جامن ۲ توله سوخته
سوهان کهی ۶ ماشه سنگ جراحت ۶ ماشه مرج سیاه ۳ ماشه مصطگی رومی ۶ ماشه کتها
۲ ماشه شب یمانی ۷ ماشه بریان کرده همه را کوفته و بیخته آمیخته سنون تیار سازند
نسخه برای مصروع دم گلهری زنده بریده خون تازه در بینی مصروع بریزند ایضا
گوشت گلهری بریان ساخته اند کی مصروع را بخورانند نسخه درد گوش برگ
سگه در سن گرفته عرق آن افشرده نیم گرم در گوش بریزند مجرب و آزموده است ایضا
آب برق لکو آب برق مولی گرفته در روغن بادام شیرین آمیزد و جوش دهد وقتی که آب
سوخته شود و روغن باقی ماند در گوش بریزد نسخه کسی را که از بینی بسیار خون آید
بهندی آنرا نکسیرا) میگویند کتائی خورد صحرائی در آب سائیده بر دماغ ضماد سازند
انشاءالله تعالی خون مسدود خواهد شد نسخه سرفه یعنی کهانسی) برگ نیب بر آتش
سوخته نمک طعام آمیخته بخورند ایضا حب سرفه آرد عناب آرد باقلا پستان
هریک ۲ ماشه تخم خطمی یک ماشه رب السوس یک ماشه شکر تیغال یک ماشه سندروس
یک ماشه همه ادویه را کوفته بیخته باریک ساخته در لعاب تخم خطمی حب نمایند
بقدر نخود سازند و اکثر در دهان دارند مجرب و آزموده است و اکثر
حکماء را بر سریع التاثیری آن اتفاق است نسخه طحال عرق
ککرونده صحرائی توله آب قلیان که یک شبانه روز قلیان کشیده باشند
چهار توله هر دو آمیخته باشند مریض را بنوشانند تا هفت روز انشاءالله
تعالی فائده خواهد بخشید نسخه بواسیر رسوت گشنیز سفوف
کرده و باهم آمیخته بخورند یا رسوت را در مسکه آمیخته بخورند نسخه
بواسیر استخوان پنجه شیر سائیده طلا نمایند ایضا شلغم را

دررز بعد سائیدہ و بعداً بیز مثل مرہم ساختہ استعمال نمایند نسخہ
ضاد و خاد کش و ا گو تہ گندھک آملہ سار توتیا مردار سنگ سنگ جراحت
اول این چہار ادویہ در کھرل خوب تر سائیدہ بعدہٗ پارہ آمیختہ خوب تر حل
نمایند بعد از آن مکھن دو تولہ با روغن گاو یکصد و یک مرتبہ شستہ ادویہ
با آمیختہ استعمال نمایند مجرب و آزمودہ است نسخہ جذام
عرق برگ ارنی سبز افشردہ فلفل سیاہ آمیختہ تا چہل روز پی درپی بنوشد
و بجز نان نخود ہیچ چیز دیگر نخورد مجرب است نسخہ برص پوست
انجیر دشتی ۲ تولہ باپچی ۲ تولہ گندھک ۶ ماشہ ہمہ سائیدہ۔ از پارچہ بیختہ
در جغرات آمیز کردہ ضماد کند و بقدر مقدرت؛ توفیق بوقت صحت
بارواح مبارک حضرت بدیع الزمان رہ فاتحہ بخواند ایضاً نسخہ
دیگر نافع برص مربی ۹ ماشہ توتیا ۶ ماشہ ہر دو را در عرق
لیموی کاغذی خوب حل کردہ مساوی بیر صحرائی حب سازند و وقت
حاجت در عرق لیمو حل کردہ در روز دو سہ مرتبہ طلا نمایند ایضاً
باپچی ۳ ماشہ باریک سائیدہ در آب جغرات آمیختہ وقت حاجت طلا
نمایند نسخہ برص سہاگہ۔ ہلدی۔ سیندور مساوی الوزن
گرفتہ در عرق لیموی کاغذی باریک سائیدہ طلا سازند نسخہ
خضاب ہلیلہ سیاہ ۶ ماشہ مازو ۶ ماشہ بریان برادہ مس یک
تولہ نوشادر بریان یک تولہ کسیس یک تولہ قرنفل ۴ عدد توتیای خام دو رخ
در آب ہلیلہ جوشاندہ بستہ وقتی کہ ضرورت باشد عجیب در آب ہلیلہ سائیدہ استعمال کند
مجربست نسخہ زیرہ کشمیری پیاز و لہسن ہر دو یا شہ آرو ماش یکماشہ الاچی کلان یکماشہ
لونگ یک ماشہ مرچ سیاہ یکماشہ رند یک ماشہ زعفران یک تولہ آمیختہ
بری تیار کنند و در آب خشک کنند و بوقت ضرورت و حاجت استعمال کنند

نسخهٔ مرهم ناسور رسوت ۴ ماشه سهاگه ۲ توله گوگل یک توله
موم یک توله همه را آمیخته حسب دستور مرهم تیار نمایند و ضماد کنند
نسخهٔ مرهم سوخ سیندور ۴ توله سفید کاشغری ۴ توله شب یمانی بریان
۲ توله گیرو - توله نیلاتهوتها یک ماشه موم خام ۶ توله روغن کنجد ۶ توله
اول روغن را گرم کنند و بعد موم را در آن اندازند وقتی که روغن با موم با جنس طریق
مخلوط گردد همه اجزا را باریک سائیده در روغن بریزند حسب دستور مرهم تیار
سازند. این مرهم برای تمام دنبل‌ها و جراحات مفید است نسخهٔ مرهم سیاه
سفیده ۳ ماشه سنگ جراحت ۲ توله گیرو یک توله روغن کنجد ۳ ماشه
موم زرد ۳ توله هر یک نیم سوخته بصورت نان خورد انداخته حسب دستور
مرهم سازند و ضماد نمایند نسخهٔ مرهم سبز زنگار ۲ ماشه سیماب
۹ ماشه گنده بروزه ۳ توله همه ادویه را آمیخته در آب یکصد و شصت
مرتبه شسته بر جراحت بکار برند و این مرهم برای هر قسم دنبل مجرب و آزموده
و مفید است سیماب ۹ ماشه گنده بروزه ۳ توله همه ادویه را آمیخته بر آتش
نهند وقتی که همه ادویه با هم یک ذات شوند از آتش فرود آورد حسب
دستور مرهم سازد و برای تمام دنبل و جراحت مفید است بعد از آتش فرود
آوردن از آب یکصد مرتبه شستن باید مرهم سفید روغن کنجد ۵ توله
موم یک توله سفید کاشغری ۲ توله کافور ۳ ماشه روغن را گرم ساخته و
موم را در آن انداخته گداخته شود از آتش فرود آورد و یکصد مرتبه با آب
شسته استعمال نمایند تمت الکتاب بعون الملک الوهاب فی شهر

رمضان المبارک ۱۳۹۲ [illegible]